

بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان

مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلیجان

موسی عنبری، دانشیار جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران

سمیه حقی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت توسعه دانشگاه تهران*

چکیده

نشاط یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان به شمار می‌رود که نقش عمده‌ای در تعالی روانی و اجتماعی افراد جامعه ایفا می‌نماید. پژوهش حاضر با هدف شناخت وضعیت نشاط اجتماعی زنان شهری و روستایی دلیجان به بررسی مهمترین عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از زنان (۴۹-۱۵ ساله) ساکن هشت منطقه شهرستان دلیجان و شش روستای دهستان جوشق بوده که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران نمونه‌ای با حجم ۷۰۰ نفر انتخاب شدند. اطلاعات لازم با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه همراه با مصاحبه گردآوری شده است. پژوهش حاضر در تابستان ۱۳۹۱ در جامعه آماری مورد نظر اجرا شد و اطلاعات به دست آمده توسط نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد افراد مورد مطالعه برحسب متغیرهای زمینه‌ای و خانوادگی از نشاط متفاوتی برخوردار بوده‌اند. زنان متأهل بانشاط‌تر از زنان مجرد و بی‌همسر بر اثر فوت و طلاق بودند. ارتقای پایگاه اقتصادی اجتماعی در افزایش میزان نشاط اجتماعی زنان مؤثر بوده است. بر حسب یافته‌های تحلیلی حاصل از رگرسیون چندمتغیره، از میان عوامل اجتماعی، دو متغیر مقبولیت اجتماعی و احساس عدالت اجتماعی در مناطق روستایی و پنج مقوله رضایت از زندگی، کیفیت زندگی، اعتقادات دینی، احساس عدالت اجتماعی و پایگاه اقتصادی در مناطق شهری، بیشترین سطح تغییرات نشاط اجتماعی زنان را تبیین نموده‌اند. براین اساس، به جرأت می‌توان ادعا نمود که نشاط اجتماعی در جامعه نمونه قبل از هر چیزی تابعی از کیفیت زندگی و احساس عدالت در جامعه بوده است.

واژه‌های کلیدی: نشاط اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی، مقبولیت اجتماعی، رضایت از زندگی، کیفیت زندگی.

طرح مسأله

یکی از چالش‌های پیش روی بسیاری از کشورهای در حال توسعه در عصر کنونی، بحران هویت یا به تعبیر دقیق‌تر، خودباختگی و غرب‌شیفتگی در عرصه‌های مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و صنعتی است. در دنیای پرشتاب کنونی به موازات گسترش دامنه تکنولوژی‌ها، ابداعات و اختراعات بشر بر میزان افسردگی، ترس، وسواس و بی‌اعتمادی وی نیز افزوده می‌شود. انسان امروزی گمشده‌هایی به نام آرامش، نشاط، شادابی حقیقی و رضایتمندی دارد، در حالی که در دنیای سستی و روزگار نه چندان دور در شهرها و روستاها با وجود امکانات اولیه و ناچیز، روح نشاط و عشق‌ورزی همراه همیشگی خانواده‌ها بود.

با این حال، نشاط^۱ یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان‌ها به شمار می‌رود و به دلیل تأثیرات عمده آن در بهسازی و سالم‌سازی جامعه، مدت مدیدی است ذهن آدمیان را به خود مشغول کرده است؛ به طوری که امروزه بسیاری از ملل به نوعی درصدد ایجاد یک جامعه سالم و بانشاط هستند، زیرا به نظر می‌رسد احساس نشاط از یک‌سو انسان‌ها را برای زندگی بهتر و بازدهی بیشتر آماده و از سوی دیگر، به دلیل مسری بودن آن، بستگی‌های انسان را با محیط گسترده می‌کند. از این رو مادامی که شهروندان احساس شادی و نشاط کنند، همواره در خدمت به شهر و افراد جامعه اهتمام بیشتری می‌ورزند. نشاط همچنین نشانه‌ای از سلامت روانی و جسمی افراد محسوب می‌شود. انسان برحسب ذات و فطرت خود موجودی هدفمند و جویای نشاط، خوشبختی و سعادت است و تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد، احساس نشاط نخواهد کرد. به جرأت می‌توان ادعا نمود که تمامی کوشش انسان‌ها در زندگی برای دستیابی به نشاط در آینده است؛ بدین‌مناسبت نشاط و شادکامی متغیر مهمی در نیل به پیشرفت و توسعه محسوب می‌شود. چنین توسعه‌ای زمانی به طور پایدار تحقق خواهد یافت که جامعه از نیروهای مولد خود (زن و مرد) استفاده کند.

در طول تاریخ ایران، زنان همواره به عنوان نیمی از جامعه انسانی با بهره‌گیری از جایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوت، ایفاگر

نقش‌های متعدد و متنوع بوده‌اند و همچون مردان، در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه مشارکت فعالی داشته‌اند. زنان به علت جایگاه ویژه خود در خانواده و نقش مؤثر در تربیت فرزندان، در واقع به عنوان اولین و بهترین آموزگار انسان‌ها تلقی می‌شوند. با توجه به اینکه تعلیم و تربیت زنان سرشار از مهر و محبت و ایثار است، بیش از هر آموزه‌ای در دل و جان انسان‌ها نقش می‌بندد. به همین منظور، رفتار، منش و گفتار زنان تأثیر بسزایی در ارتقای آموزش‌های ارائه شده به فرزندان دارد. زنان، همسران و مادران شاد و بانشاط موجب مستحکم شدن کانون خانواده و از سوی دیگر، تربیت فرزندانی با ویژگی‌هایی چون خودباوری، خوش‌بینی و... خواهند شد، زیرا انسان بانشاط، انسانی کارا، مبتکر، مولد و سازنده است و همین اعمال مثبت به سلامت روانی و فیزیکی او نیز کمک شایانی خواهد کرد. در چند دهه اخیر نیز در کشورمان مقوله نشاط به عنوان یکی از پایه‌های نیل به توسعه مورد توجه قرار گرفته است، در حالی که با وجود ضرورت نشاط زنان به عنوان عنصر مهم و کلیدی در توسعه روابط اجتماعی و خانوادگی، پژوهشی که نقش زنان را برجسته نماید، انجام نیافته است. لذا این پژوهش می‌کوشد با تأکید بر وضعیت نشاط اجتماعی زنان مناطق شهری و روستایی دلیجان، به تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر آن نیز بپردازد.

پیشینه پژوهش

توجه به احساسات مثبت انسان از روزگار باستان مورد نظر بوده است. این درحالی است که روان‌شناسان در سال‌های آخر قرن بیستم، توجه به احساسات مثبت را آغاز کردند. از سال ۱۹۶۰ پژوهش‌های مربوط به شادمانی^۲ افزایش یافت و سازمان‌های مختلفی به بررسی آن پرداختند. در این پژوهش‌ها سه جهت‌گیری اساسی را می‌توان مشخص کرد که عبارتند از: سنجش میزان نشاط، بررسی عوامل مؤثر بر نشاط و همچنین، شیوه‌های افزایش آن. در این پژوهش مطالعات انجام شده را در دو دسته دسته‌بندی کرده‌ایم:

^۱ در پژوهش‌های انجام شده، از اصطلاحاتی چون شادمانی، شادکامی، خوشبختی و شادی استفاده شده، در حالی که واژه نشاط در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

^۱ vitality

جدول ۱- مطالعات مربوط به سنجش شادمانی و نشاط

نتایج	محقق / مؤسسه
این مطالعه، اولین مطالعه انجام شده در زمینه سنجش شادکامی بود و پس از آن با توجه به اهمیت این سنجش در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های ملی، دولت‌ها به حمایت گسترده از این قبیل پیمایش‌ها پرداختند، به طوری که از دهه ۱۹۷۰ علاوه بر آمریکا در اروپا نیز به طور مرتب و سالانه پیمایش‌های ملی برای سنجش خوشبختی مردم صورت می‌گیرد (نابی، ۱۳۷۴: ۱۲-۱۳).	نورمن براد بورن ^۱ و دیوید کاپلویتز ^۲ از مرکز ملی بررسی افکار آمریکا ^۳
طبق نتایج سن و محل سکونت (شهر و روستا) در شادمانی مؤثر نبوده، تأثیر پایگاه اجتماعی اقتصادی در میزان خوشحالی افراد از آنچه در ذهن داشتند، کمتر گزارش شده، وضعیت تأهل و روابط اجتماعی در شادمانی افراد تأثیر مثبت داشته، همچنین رضایت از زندگی توانسته است نقش مهمی را در سلامت روانی و احساس خوشبختی ایفا کند (ساعتچی، ۱۳۸۵: ۱۷۶-۱۷۸).	مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه میشیگان ^۴ (۱۹۷۸)
نتایج حاکی از اعتبار و پایایی بالای مقیاس شادکامی آکسفورد در جمعیت ایرانی بوده است.	علی‌پور و نوری (۱۳۸۵)، علی‌پور و آگاه هریس (۱۳۸۶)، علی‌پور و نوربالا (۱۳۷۸)، ثابت و لطفی کاشانی (۱۳۸۹)
پایایی درونی معادل ۰/۹۲۱ در پرسشنامه ۹۵ ماده‌ای شادکامی استخراج شده از قرآن و روایت‌های معصومین	آذربایجانی و علیمحمدی، (۱۳۸۹)

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۲- مطالعات مربوط به سنجش عوامل مؤثر بر نشاط و شیوه ارتقای آن

عوامل مؤثر و نتایج حاصله	محقق / مؤسسه
۱- تفاوت‌های جنسیتی	رونالد اینگلهارت (۱۹۹۰)
عدم تأثیر جنسیت در شادمانی مردان و زنان از نظر شادی تفاوت کمی با هم داشتند، در عین حال که زنان جوان اندکی شادتر از مردان جوان بودند، اما زنان مسن در مقایسه با مردان مسن شادمانی کمتری دارند (ادینگتون ^۵ و شامن ^۶ ، ۲۰۰۴).	آیزنک (۱۳۷۵) فوجیتا ^۷ ، داینر ^۸ و ساندویک ^۹ (۱۹۹۱)
زنان در مقایسه با مردان عواطف مثبت و منفی بیشتر و قویتری را تجربه می‌کنند.	
۲- سن	داینر و ساح ^{۱۰} (۱۹۹۸)
رضایت از زندگی، از سنین ۲۰ تا ۸۰ سالگی کمی افزایش می‌یابد.	
شادی زیاده‌تر جوانان می‌تواند محصول ظرفیت خیلی زیاد آنها برای عاطفه مثبت و ظرفیت کمتر آنان برای تجربه عاطفه منفی و یا ترکیبی از هر دو باشد.	آیزنک (۱۳۷۵)
عاطفه مثبت و رضامندی با افزایش سن کمی افزایش می‌یابد و عاطفه منفی با افزایش سن کاهش می‌یابد و هر دو مورد در مورد مردان بیشتر است.	آرگایل (۲۰۰۱)
میزان شادی در طول عمر نموداری U شکل دارد؛ به این معنا که از جوانی تا میانه دهه چهل زندگی با افزایش سن میزان شادی فرد کاهش می‌یابد، اما پس از آن شروع به افزایش می‌کند و در افراد سالمند دوباره به اوج خود می‌رسد (غلامزاده، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۶).	پژوهشگران دانشگاه وارویک انگلیس

¹ Norman Brad Burn

² David Caplovitz

³ NORC

⁴ Michigan University

⁵ Eddington

⁶ Shuman

⁷ Fujita

⁸ Diener

⁹ Sandvic

¹⁰ Suh

۳- تحصیلات

دایتر، ساندویک، سیدلیتر و وجود یک همبستگی ضعیف بین میزان تحصیلات و شادمانی، همچنین در افراد کم درآمد، تحصیلات در ایجاد علایق دایتر (۱۹۹۳) وسیع‌تر که به فراهم آمدن منابع شادمانی بیشتر منجر می‌گردد، مؤثر است.

ادینگتون و همکاران (۲۰۰۴) بخش اعظمی از ارتباط بین تحصیلات و شادمانی از همبستگی تحصیلات با موفقیت شغلی و درآمد ناشی می‌شود (ویتر و همکاران، ۱۹۸۴).

۴- درآمد (ثروت)

دایتر و همکاران (۱۹۹۳) وجود همبستگی معنادار، اما ضعیف (۰/۱۲) بین میزان درآمد و شادمانی در جامعه آمریکا.

دایتر و ساح (۱۹۹۷) علی‌رغم رشد اقتصادی در فرانسه، ژاپن و ایالات متحده از ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۰ هیچ‌گونه گزارشی مبنی بر افزایش شادمانی در این کشورها یافت نشده است.

آیزنک (۱۳۷۵) اثر عمده درآمد نسبتاً بالا، افزایش عاطفه مثبت است.

۵- ازدواج

آیزنک (۱۳۷۵) متأهلان دارای فرزند کمتر، از متأهلان بدون فرزند شادتر هستند.

اینگلهارت (۱۹۹۰) ازدواج کرده‌ها به طور متوسط شادتر از کسانی هستند که با هم زندگی می‌کنند.

دایتر و ساح (۱۹۹۸) ازدواج به لحاظ تجربه عواطف مثبت منابع بیشتری برای مردان در بر دارد، ولی میزان رضایت از زندگی در بین زنان و مردان متأهل یکسان است.

آرگایل (۱۳۸۲)، آیزنک (۱۳۷۵)، هرینگ-هیدور^۱، استوک، اوکان و ویتر (۱۹۸۵) شادی بیشتر افراد متأهل نسبت به افراد مطلقه، مجرد، متارکه کرده و یا همسر از دست داده ازدواج قوی‌ترین اثر را بر شادمانی، سلامت روانی و جسمانی دارد.

۶- شخصیت

آیزنک (۱۳۷۵) شادی بیشتر به نوع شخصیت یا منش فرد بستگی دارد.

دایتر و همکاران (۱۹۹۶) شخصیت نسبت به نژاد، طبقه اجتماعی، پول، ارتباطات اجتماعی، کار، تفریح، مذهب و دیگر متغیرهای محیطی اثر تعیین‌کننده بیشتری بر شادی دارد.

مغانلو و آگیلار وفایی (۱۳۸۸) شادکامی مربوط به ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق و وظیفه‌شناسی) بوده است.

۷- مذهب

الیسون (۱۹۹۱) طبق نتایج مذهب نزدیک به ۵ تا ۷٪ از واریانس رضایت از زندگی را تبیین کرده، ولی تنها ۲ تا ۳٪ از واریانس مربوط به خوشنودی عاطفی مربوط به این متغیر است.

آرگایل (۱۳۸۳) تأثیر مثبت متوسط مذهب بر شادی و این تأثیر برای سالمندان و اعضای جدی کلیساها بیشتر بوده.

شجاعیان و زمانی منفرد (۱۳۸۱)، پناهی (۱۳۸۸) تأثیر دعا و نیایش و ارتباط معنوی با خداوند در شادکامی افراد.

تایلور و چترز (۱۹۸۸) مذهب از طریق قرار دادن شخص در معرض شبکه‌های اجتماعی، رضایت خاطر اجتماعی ایجاد می‌کند (بیدل^۲ و موتری^۳، ۱۹۹۱).

صحرائیان و همکاران (۱۳۸۹) ارتباط معناداری شادکامی و نگرش مذهبی و سن.

روحانی و معنوی‌پور (۱۳۸۷) ارتباط مثبت دینداری، شادکامی و رضایت زناشویی.

قادری (۱۳۸۹) زنان سالمند دیندارتر از مردان سالمند بوده‌اند.

قمری (۱۳۸۹) زنان دیندارتر از مردان بوده‌اند.

منبع: یافته‌های تحقیق

¹ Haring-Hidore

² Biddle

³ Mutri

ج- قضاوت: واژه شادمانی وقتی به کار می‌رود که فرد درباره زندگی خود یک قضاوت کلی می‌کند. قضاوت به یک فعالیت عقلانی اشاره دارد. قضاوت کلی یعنی ارزیابی تجارب پیشین و پیش‌بینی تجارب آتی. به عبارت بهتر، شادمانی جمع ساده لذات نیست، بلکه شناختی است که فرد از بررسی تجارب مختلف به دست می‌آورد.

د- مطلوبیت: در تعریف شادمانی منظور از خوشایندی، ارزشمند و دوست‌داشتنی بودن زندگی از طرف خود فرد است (غلامزاده، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶). بنابراین، می‌توان ادعا نمود که شادی نوعی هیجان ناپایدار است و می‌تواند برای چند ثانیه یا چند دقیقه و یا چند ساعت ادامه داشته باشد. اگر احساس شادی بیش از چند ساعت ادامه پیدا کند و برای مدت‌ها نیز باقی بماند، در این صورت به آن احساس خوشبختی یا شادکامی می‌گویند.

پس نشاط عبارت است از بشاش بودن و مسرور بودن که در رفتار فیزیکی و تجربه هیجانی قابل مشاهده است و این حالت با واژه تبسم، سرور و وجد نزدیکی دارد و به بروز صفات و عواطف خوشایند روانی و ظهور علائم مثبت اجتماعی در افراد اطلاق می‌شود و یکی از خلیات اساسی در زندگی فرد است که نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او ایفا می‌کند (سلیگمن^۲ و دینر^۳، ۲۰۰۲: ۸۰).

با توجه به ضرورت نشاط و شادی در رشد و تعالی انسان‌ها، این بحث از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف بوده است که برخی از آنها به اختصار بیان می‌شود:

در قرآن، متون دینی و کلام ائمه نشانه‌های از نشاط وجود دارد. این موضوع در فلسفه و اخلاق ذیل مفهوم سعادت عنوان شده است و جستجوی سعادت یکی از فعالیت‌های اجتناب‌ناپذیر در زندگی قلمداد می‌شود. نشاط یکی از ویژگی‌های فرهنگ و هویت ایرانی است و به معنای

در جمع‌بندی پیشینه نظری و تأمل در مطالعات انجام گرفته، آشکار شد که اکثر محققان، نشاط و شادکامی را از بعد روانی بررسی کرده و کمتر ابعاد اجتماعی و فرهنگی نشاط را برجسته نموده‌اند، در صورتی که نشاط منشأ جمعی دارد و تجربه فراغت‌های شادمانه، علاوه بر ایجاد نشاط روانی قادر خواهد بود نشاط پایدار اجتماعی را در افراد ایجاد نماید.

مبانی نظری پژوهش

نشاط اجتماعی در فارسی با معادل‌هایی چون هیجان مثبت، شادی، شادمانی و احساس خوشبختی (شادکامی) به کار می‌رود. در ادبیات روان‌شناسی و حتی جامعه‌شناسی، نشاط را معادل شادکامی به کار می‌برند. موسی عنبری لفظ فارسی «شادزیستی» را معادل مفهوم هپی نس^۱ به کار برده است (عنبری، ۱۳۹۱: ۴۰).

به عقیده آرگایل «تجربه کردن سرور (نشاط) یکی از رایجترین روش‌هایی است که افراد بدان وسیله شادکامی را تعریف می‌کنند» (آرگایل، ۱۳۸۳: ۴۵).

جامعترین و در عین حال عملیاتی‌ترین تعریف از شادی را وینهوون (۱۹۸۴) ارائه می‌دهد: به عقیده وی شادمانی به درجه یا میزانی اطلاق می‌شود که شخص درباره مطلوبیت کل زندگی خود قضاوت می‌کند که چه میزان زندگی خود را دوست دارد (عابدی، ۱۳۸۳: ۱۰). در تعریف وی از شادی چند عنصر وجود دارند که عبارتند از:

الف- درجه یا میزان: واژه شادمانی بیانگر ارزیابی کمال مطلوبی از زندگی نیست، بلکه بیانگر یک درجه یا میزان خوشایندی زندگی است.

ب- شخص: این واژه صرفاً برای توصیف حالت یک فرد به کار می‌رود و قابل تعمیم به اجتماعات، اشیاء و وقایع نیست. بنابراین، اگر بخواهیم شادمانی یک ملت را مورد بحث قرار دهیم، بهتر است بگوییم اکثر شهروندان آن کشور خود را شادمان تصور می‌کنند.

² Seligman

³ Deiner

¹ Happiness

باشد، احساس شادی تسهیل و در غیر این صورت این احساس دچار وقفه خواهد شد. نظریه دیگری که درباره رضایت از زندگی و سپس احساس خوشبختی می‌توان مطرح کرد، نظریه برابری است. اساس این نظریه، ادراک فرد از شغل خود و چگونگی رفتار او را در برابر سازمان بیان می‌دارد. براساس این دیدگاه، هر فرد خصوصیات و قابلیت‌هایی، چون تجربه و تبحر، تحصیلات، سن، هوش و استعداد را با خود به سازمان (یا محیط زندگی و فعالیت خود) می‌آورد و در مقابل انتظار دارد سازمان یا محیط بیرون نیز متناسب با این خصوصیات، مزایا و پاداش‌هایی را در اختیارش قرار دهد. چنانچه شخص احساس کند که بین این دو دسته عوامل نوعی برابری و همپایگی موجود است، این امر در وی ایجاد آرامش و رضایت می‌کند (مک کار^۳ و کاستا^۴، ۱۹۹۹: ۵۳) و در صورتی که فرد در مقایسه خویش با افراد همسطح خود احساس کند که دیگران وضعیت بهتری را کسب کرده‌اند، احساس نارضایتی خواهد کرد.

از منظر جامعه‌شناختی، «عوامل شادی عبارتند از: نگرش ذهنی، امید به زندگی، آزادی ابراز عقاید، رفاه مادی، پیوند مستحکم اجتماعی، تحکیم روابط انسانی، احساس امنیت اجتماعی، کیفیت زندگی و...» (باقری خلیلی و عامری، ۱۳۸۹: ۵).

طبق الگوی تطابق آرزو با وضعیت عینی، «احساس سعادت» بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت اوست (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴). زمانی که وضعیت فرد با آرزو و توقعاتش تطابق پیدا می‌کند، به فرد احساس رضایت بالایی دست می‌دهد. همچنین، وقتی وضعیت فرد از سطح توقعاتش تنزل می‌یابد، دچار نارضایتی شدید می‌شود و رفته رفته با کاهش توقعات و تطابق آن با وضعیت فرد از شدت نارضایتی‌اش کاسته می‌شود (نایی، ۱۳۷۴: ۱۱). «اگرچه ارضاء یک نیاز خاص موجب خرسندی فراوان می‌شود، اما شخص پس از مدتی آرزوی چیزهای بیشتر یا متفاوتی می‌کند، زیرا احساس بالای خرسندی موقت و زودگذر است و بعد از

«دل بستگی به خود و دیگران و نقطه آغاز حرکت‌هایی تازه به سوی افق‌هایی دوست‌داشتنی و خوش‌فرجام و تعبیری مثبت از موافق بودن جریان حیات با نیازهای انسانی است» (رستگار فسایی، ۱۳۸۱: ۵۶؛ به نقل از باقری خلیلی، ۱۳۸۶: ۲). نشاط و روحیات مردم در هر دوره‌ای بسته به شرایط سیاسی-اجتماعی به گونه‌های مختلف متجلی می‌شده است؛ مثلاً در دوره‌ای که ثبات، امنیت و آرامش در جامعه حاکم بوده، روحیه نشاط ارتقای می‌یافته است. در آثار ادبی شاعران و نویسندگان نشاط به دو گونه مطرح شده است: برخی تحقق نشاط حقیقی را بیرونی و در زندگی دنیایی جستجو می‌کردند، مانند رودکی و فردوسی، اما برخی دیگر به نشاط درونی اعتقاد دارند، مانند شمس تبریزی و مولانا.

از دیدگاه روان‌شناسان، بنیاد شادی «ذهنیت مثبت» است و برای انگیزش و تداوم شادی باید ذهنیت‌های مثبت را تقویت کرد. کمپر با دو مفهوم رابطه‌ای قدرت و منزلت در تئوری‌اش، منشأ اجتماعی عواطف را در سطح تعاملات اجتماعی توضیح می‌دهد. از نظر وی افسردگی به عنوان یک عاطفه از پیامد از دست دادن منزلت ناشی می‌شود. در تئوری کمپر قدرت و منزلت دارای پیامد عاطفی‌اند. به عبارتی، روابط قدرت و منزلت بین کنشگران اجتماعی حامل پیامدهای عاطفی برای آنهاست. طبق این تئوری یک تعامل می‌تواند به افزایش، کاهش یا عدم تغییر در قدرت کنشگر در ارتباط با کنشگر دیگر منجر شود. همین تعامل نیز می‌تواند به افزایش، کاهش یا عدم تغییر در منزلت کنشگر منجر شود. منزلت مستلزم رفتاری است که پذیرش، احترام و تمکین ارادی را بیان کند. وقتی منزلت یک کنشگر افزایش می‌یابد، این افزایش منزلت به طور معمول موجب احساس خشنودی در وی می‌شود (کمپر^۱ و کولینز^۲، ۱۹۹۰؛ به نقل از زمانی، ۱۳۸۴: ۴۹-۵۰).

براساس تئوری شکاف میکالوس، افراد با مقایسه شرایط یا عملکرد واقعی خود با شرایط استاندارد در مورد شادی و شادکامی خود قضاوت می‌کنند، در صورتی که مقایسه مطلوب

³ Mc Care

⁴ Costa

¹ Kamper

² Collins

دو ارزیابی ذهنی منفی باشد، او از محرومیت یاد می‌کند. هنگامی که کیفیت عینی زندگی خوب باشد، اما احساس ذهنی منفی باشد، او اصطلاح عدم توافق را به کار می‌برد و نهایتاً از شرایط بد احساس ذهنی مثبت با عنوان تطبیق بهره می‌گیرد. بنابراین کیفیت زندگی از دید وینهون هم به جنبه کالبدی و امکانات محیطی جامعه و هم به جنبه روانی و احساسی افراد جامعه مرتبط است.

چلبی «شادی و خرسندی کنشگران فردی را در شبکه مبادلات بین نظام جامعه‌ای و نظام شخصیت جستجو کرده و با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی چندبعدی که از انسان، شخصیت و جامعه در اختیار می‌گذارد، کم و کیف شادمانی افراد را مرتبط با احساس رضایت و خشنودی آنها از حوزه‌های چهارگانه در سطوح فردی و جامعه‌ای می‌داند». وی با الهام از الگوی جامعه‌شناختی و مطابق با متغیرهای الگویی پارسونز، چهار بعد اصلی برای نظام شخصیتی انسان قائل است که عبارتند از: ابعاد برون‌گرایی، نژادگرایی، بعد انسجامی و شناختی. به بیان دقیق‌تر، این نظریه بیان می‌دارد که منبع تأمین علقه‌های چهارگانه انسان (علقه مادی، امنیتی، ارتباطی و شناختی) در ارتباط تنگاتنگ با امر اجتماعی و به عبارتی حوزه‌های چهارگانه نظام جامعه‌ای است. چنانچه هر کدام از این چهار نظام اصلی جامعه بتواند پاسخگوی مؤثر علایق افضل (علایق معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، در این صورت هر کدام می‌توانند موجبات نوعی «احساس مثبت» را که هر کدام زمینه‌ساز شادمانی افراد است، فراهم نمایند. حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کدام به ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام است و کارکرد صحیح حوزه اقتصادی، تولید احساس بهبودی و آسایش است. البته، پیامد مثبت هر حوزه جامعه تا حدودی موقوف به عملکرد سایر حوزه‌هاست. در غیر این صورت، چه بسا توسعه ناموزون، نه تنها موجب شادمانی نمی‌شود، بلکه ناخرسندی اجتماعی را برای اکثریت آحاد جامعه فراهم

چندی از شدت آن کاسته می‌شود» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴۴-۲۴۵)، بنابراین، توازن بین نیازها با آرزوها از یک سو و انجام آنها از سوی دیگر پیوسته بر هم خورده، مجدداً تطابق می‌یابد. بنابراین، به اعتقاد اینگلهارت احساس سعادت و به تبع آن رضایت از زندگی در نتیجه تطابق وضعیت ذهنی و عینی شخص است.

در بحث نشاط و کیفیت زندگی، وینهون نشاط را در سطح کلان به کیفیت جامعه و عواملی چون سلامتی، عدالت و آزادی وابسته می‌داند و از این رو معتقد است سیاست اجتماعی می‌تواند ارتقادهنده این شرایط باشد. در سطح میانی نشاط وابسته به کیفیت‌های نهادی مانند استقلال در کار یا مراقبت‌های نهادی است. اصلاح سازمانی می‌تواند برخی نهادها را بهبود بخشد. در سطح خرد نشاط وابسته به توانایی‌های شخصی، مانند کارآمدی، استقلال و مهارت‌های اجتماعی است، تحصیلات و درمان می‌تواند ارتقادهنده این مهارت‌ها باشد (وینهون، ۱۹۹۵: ۳۳۳-۳۵۴). وی شادی را بیشتر، حالتی که حاصل قضاوت از زندگی است می‌داند تا یک سندروم شخصیتی و وراثتی. همچنین او دریافت که موقعیت اجتماعی در شادی افراد تأثیر دارد: «اطلاعات نشان می‌دهد که، شادی به بخت و بدبختی حساس است. مردمی که در موقعیت بد قرار دارند، گرایش دارند که خود را بی‌نشاط‌تر از مردمی که در یک موقعیت خوب هستند، نشان دهند و مردمی که موقعیتشان بهبود یافته، تمایل دارند خود را بسیار خوشحال نشان دهند و آنهایی که موقعیتشان بدتر شده، تمایل به بی‌نشاط بودن دارند» (وینهون، ۱۹۹۸: ۸-۶). همچنین، وی کیفیت زندگی ذهنی را درجه‌ای از زندگی می‌داند که معیارهای زندگی خوب را تبیین می‌کند و توسط یک ناظر بیرونی اندازه‌گیری شده است، در حالی که بعد عینی کیفیت زندگی شامل ارزیابی از خودی است که مبتنی بر معیارهای تلویحی است. هنگامی که شرایط زندگی از اندازه‌گیری‌های عینی و ذهنی نمره خوبی بگیرد، ارزیابی زندگی مثبت است که در این شرایط از بهزیستی سخن می‌گوید. هنگامی که هر

مناسبت‌تر و راهگشاتری برای ادبیات اجتماعی نشاط ذکر می‌کند و می‌گوید: «در لفظ شادزیستی می‌توان ابعاد جامعه‌شناختی موضوع را نیز جستجو کرد» (همان، ۴۰).

در نهایت، با مرور در پژوهش‌های انجام شده، مشخص گردید که اکثر محققان حالات روانی افراد را منشأ نشاط قلمداد نموده‌اند، در حالی که باید با تلفیق ابعاد روانی و اجتماعی پدیدآورنده نشاط، به تعریف جامعی از آن دست یافت. بنابراین، نشاط در این پژوهش شامل ابعاد زیر است:

ابعاد روانی نشاط

- احساس شکاف: زنان مناطق شهری و روستایی به مقایسه شرایط و موقعیت خود (امکانات، سن، تحصیلات و...) خود با یکدیگر می‌پردازند و در حالی که شرایط این مقایسه مطلوب باشد، فرد احساس نشاط خواهد نمود و در غیر این صورت از میزان رضایت از زندگی و به تبع نشاط وی کاسته خواهد شد.

- احساس برابری: این دیدگاه به وجود نوعی برابری بین داده‌ها و ستانده‌ها اعتقاد دارد. در چنین حالتی احساس رضایت‌خاطر و نشاط حاصل خواهد شد.

ابعاد اجتماعی نشاط

- تجربه کنش شادمانه: از این منظر نشاط نه تنها از حالات روانی افراد نشأت می‌گیرد، بلکه در جمع نیز معنا پیدا می‌کند و به ایجاد هویت برای افراد منجر می‌شود.

- رضایت از زندگی و کیفیت زندگی: توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت او احساس سعادت را در وی پدیدار می‌سازد و این احساس به رضایتمندی وی از زندگی منجر می‌شود. فرد با مقایسه آرزوهای خود و موقعیت فعلی‌اش به آرامش‌خاطر و یا عدم آن دست می‌یابد. همچنین، کیفیت زندگی مطلوب حاصل شرایط مساعد زندگی از دو بعد ذهنی و عینی است.

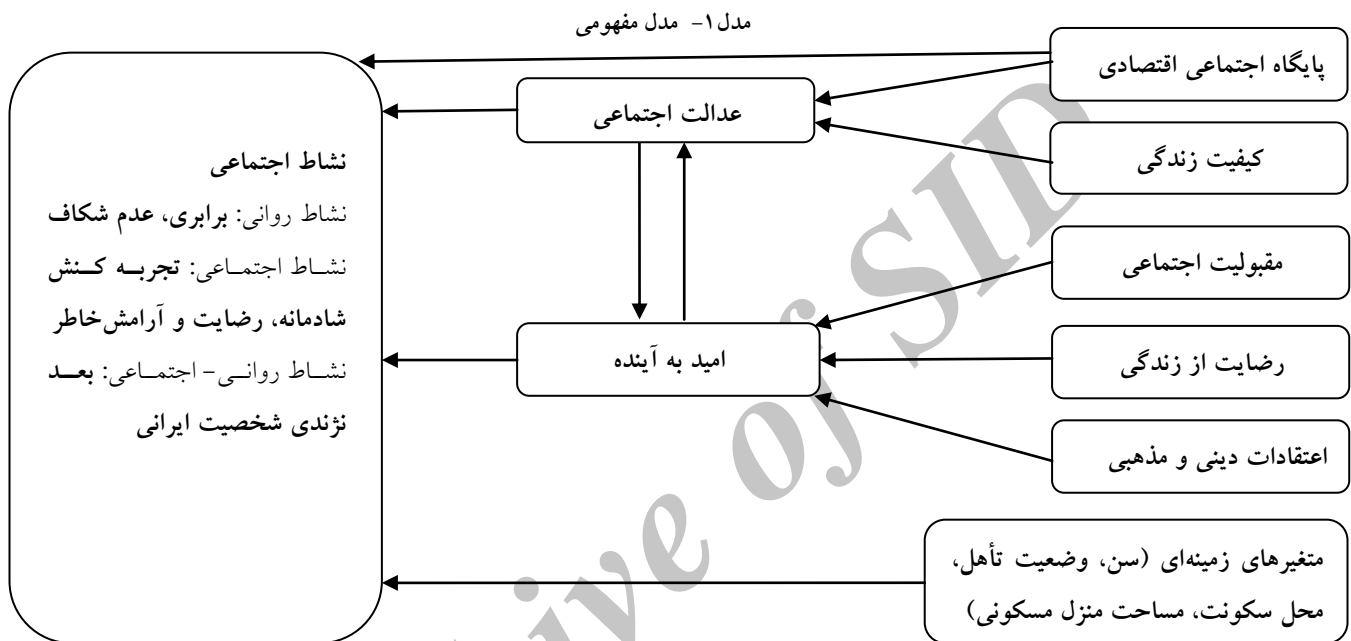
می‌نماید. در این حالت افراد دچار احساس سرگشتگی و ابهام در تشخیص درست و نادرست شده و در نتیجه محیط اجتماعی برای شکل‌گیری و رشد فردگرایی خودخواهانه و خودسری‌های فردی مهیا می‌گردد. در این صورت، نفع جمعی تحت‌الشعاع نفع فردی قرار گرفته و نوعی بی‌اعتمادی و سوءظن نسبت به دیگران و همچنین، نهادهای جامعه فراهم می‌شود (چلیبی، ۱۳۸۸: ۶-۷).

عنبری در پژوهش «بررسی زمینه‌ها و راهکارهای نشاط اجتماعی در ایران» مفهومی جامعه‌شناختی را به ادبیات موجود نشاط اجتماعی می‌افزاید و آن مفهوم، «تجربه کنش شادمانه» است. وی با دیدگاه‌های صرف روان‌شناسانه درباره نشاط مخالف است و عقیده دارد که «نشاط در فرآیند رابطه فرد با جامعه و گروه تحقق پیدا می‌کند. در غیر این صورت - از منظر ناظر بیرونی - نشاط چیزی جز مجموعه‌ای از کیفیات روحی و هیجان‌های طرب‌انگیز فردی نخواهد بود. اگر این کیفیات فرح‌بخش، واجد معانی اجتماعی و اهداف جمعی نباشد، تعریفی جز یک‌سری حالات نابهنجار و حتی جنون‌آمیز نخواهد داشت. بنابراین، نشاط اجتماعی همان سطح برخورداری از مواهب زندگی عمومی همراه با اقتناع ذهنی و اجماع عینی است؛ یعنی باید تعریف فردی و بیرونی از نشاط با یکدیگر مقارنه داشته باشند. در غیر این صورت، معنای اجتماعی آن بیان نشده و نشاط در حد مجموعه‌ای از احساسات و هیجان‌های فیزیولوژیک باقی مانده است» (عنبری، ۱۳۹۱: ۳۵). از سوی دیگر، وی معتقد است که «نشاط از منظر اجتماعی، عضوی از خانواده و چارچوب مفهومی کیفیت زندگی، رضامندی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سلامت اجتماعی، رفتارهای جمعی و فراغت است. این مفاهیم به نوعی متناظر و همبود با شادمانی و شادی هستند». با این توصیف، وی نشاط اجتماعی را سطحی از رضامندی اجتماعی توأم با رفتارهای شادمانه و احساس خوشبختی می‌داند که تمامی این مؤلفه‌ها تعریف جمعی دارند و در مقایسه و تطبیق بهتر شناخته می‌شوند. همچنین، او لفظ شادزیستی را معادل

ابعاد روانی اجتماعی نشاط

- بعد نژندی شخصیت ایرانی: نژندگرای در نقطه مقابل برون‌گرایی است که از اضطراب درونی (تمایل به ترس، دلهره، زودرنجی و نگرانی)، اضطراب بیرونی (احساس بی‌یاوری، بی‌حوصلگی و ترس از عوامل اجتماعی و محیطی)،

یأس، بی‌اعتمادی شخصی و بی‌اعتمادی غیرشخصی (به عملکرد خرده‌نظام‌های مختلف جامعه) نشأت می‌گیرد. در زیر مدل شماتیک ارتباط متغیرها نمایش داده شده است:



روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات پیمایشی است. این مطالعه از نوع بررسی توصیفی و به لحاظ زمانی، مقطعی (تابستان ۱۳۹۱)، به لحاظ ماهیت کاربردی و از بعد وسعت نیز پهنانگر بوده است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از زنان (۴۹-۱۵ ساله) شهرستان دلیجان و دهستان جوشق بوده‌اند. بدین ترتیب از مجموع ۱۰۶۸۲ زن شهرستان دلیجان، ۳۷۰ نفر از آنان با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران انتخاب شده‌اند و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به آنان مراجعه و داده‌های پژوهش گردآوری شده است. در روستاهای مورد بررسی (جوشق، مهدی‌آباد، ریجان، لاران، بهار اردهال) کل جامعه آماری را معادل جمعیت نمونه (۱۴۵ زن) قرار دادیم. در روستای خواه به علت بالا بودن جمعیت (۳۵۹ نفر)، از طریق فرمول کوکران ۱۸۵ زن به

با الهام و بهره‌گیری از رویکردهای نظری مطرح شده در این پژوهش و برای مشخص نمودن عوامل فردی و اجتماعی مؤثر در میزان نشاط زنان نمونه، فرضیه‌های پژوهش در قالب چارچوب نظری ارائه شده است:

- متغیرهای زمینه‌ای (سن، وضعیت تأهل، محل سکونت و مساحت منزل مسکونی) در میزان نشاط اجتماعی زنان تأثیر دارد.
- ارتقای پایگاه اجتماعی اقتصادی زنان در افزایش میزان نشاط اجتماعی آنان مؤثر است.
- ارتقای کیفیت زندگی و پایگاه اجتماعی اقتصادی از طریق عدالت اجتماعی در نشاط اجتماعی زنان مؤثر است.
- مقبولیت اجتماعی زنان در محل سکونت خود، افزایش رضایت از زندگی و همچنین، اعتقادات قوی دینی و مذهبی از طریق امید به آینده بر میزان نشاط اجتماعی زنان تأثیرگذار است.

توسط سایر محققان بوده است. داده‌های جمع‌آوری شده از نمونه با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. برای بررسی فرضیه‌ها و روابط بین متغیرها از آزمون کای مربع و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. مهمترین متغیرهای این پژوهش عبارتند از:

عنوان نمونه انتخاب شدند. در مجموع، کل نمونه‌های آماری این پژوهش را ۷۰۰ زن مناطق شهری و روستایی دلجان تشکیل داده‌اند.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، تلفیقی از پرسشنامه محقق ساخته و پرسشنامه‌های مورد آزمون قرار گرفته شده

جدول ۳- متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	ابعاد	ابزار سنجش	آلفای کرونباخ	kmo	sig
	بعد زوانی: پرسشنامه شادکامی آکسفورد ^۱	- پرسشنامه ۲۹ ماده‌ای پرسشنامه تهیه شده توسط آرگایل و لو (۱۹۹۰)	$\alpha = 0/909$	۰/۵۶۸	۰/۰۰۰
متغیر وابسته	بعد اجتماعی روانی: بعد نژندی شخصیت ایرانی	- میل به اضطراب درونی، میل به اضطراب بیرونی، میل به اعتماد انضمامی (شخصی)، اعتماد تعمیم‌یافته (غیرشخصی) و یأس (چلبی، ۱۳۸۱: ۱۲۸-۱۳۵).	$\alpha = 0/866$	۰/۷۱۰	۰/۰۰۰
	بعد اجتماعی: تجربه کنش شادمانه	- تجربه فراغت‌های شادمانه (مسافرت، ورزش، شرکت در مجالس شادی مانند جشن عروسی و...، نوروز، شرکت در کلاس‌های هنری، شرکت در مهمانی، حضور در خانواده، حضور در جمع دوستان و گردش و تفریح) - تجربه حضور در مراسم شادی دینی (حضور در مراسم مذهبی، زیارت بقاع متبرکه و...).	$\alpha = 0/867$	۰/۷۴۰	۰/۰۰۰
رضایت زندگی	از	برای سنجش این متغیر از مقیاس رضایت از زندگی داینر و دیگران (۱۹۸۵) سوده برده شده است. آزمون اصلی ۴۸ سؤال را دربرمی‌گرفت، پس از تحلیل عاملی و شباهت سؤال‌ها، به ۵ سؤال تقلیل یافت.	$\alpha = 0/828$	۰/۷۹۹	۰/۰۰۰
متغیرهای مستقل	اعتقادات دینی و مذهبی	- جنبه اعتقادی - جنبه احساسی - جنبه مناسکی (بنی فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰).	$\alpha = 0/871$	۰/۶۹۷	۰/۰۰۰
	کیفیت زندگی	بعد اجتماعی: (کیفیت آموزش، کیفیت سلامت، کیفیت محیط مسکونی، کیفیت زیرساخت‌ها) - بعد محیطی: (کیفیت محیط) - بعد اقتصادی: (کیفیت اشتغال و درآمد) پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰)	$\alpha = 0/893$	۰/۶۵۱	۰/۰۰۰
	مقبولیت اجتماعی	در سنجش این متغیر از مقیاس ۳۳ سؤالی مقبولیت اجتماعی که توسط کراون و مارلو تهیه شده است استفاده گردیده که نمره حاصل از پاسخگویی نشانگر سطح پذیرش اجتماعی فرد خواهد بود.	$\alpha = 0/899$	۰/۷۸۴	۰/۰۰۰
متغیرهای واسطه	احساس عدالت اجتماعی	- عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای	$\alpha = 0/656$	۰/۸۳۰	۰/۰۰۰
	امید به آینده	از برآورده شدن نیازها و خواسته‌ها در آینده و امید به زندگی بهتر در آینده	$\alpha = 0/790$	۰/۶۲۳	۰/۰۰۰

¹ OHI

یافته‌های پژوهش

بررسی مشخصات عمومی پاسخگویان

توزیع پاسخگویان برحسب سن حکایت از آن داشت که از مجموع زنان مناطق شهری ۴۰/۳٪ نوجوان، ۳۶/۸٪ جوان و ۲۳٪ میانسال بوده‌اند که از این تعداد ۷۰/۸٪ متأهل، ۲۴/۹٪ مجرد، ۱/۱٪ بی‌همسر در اثر فوت و ۳/۲٪ بی‌همسر در اثر طلاق بوده‌اند در مناطق روستایی نیز ۵۷/۶٪ در سن نوجوانی، ۲۴/۸٪ در سن جوانی و ۱۷/۶٪ در سن میانسالی قرار داشتند

همچنین ۱۸۷ نفر (۵۶/۷٪) متأهل، ۱۳۰ نفر (۳۹/۴٪) مجرد بوده‌اند و ۵ نفر (۱/۵٪) در اثر فوت و ۸ نفر (۲/۴٪) در اثر طلاق بی‌همسر بودند.

نتایج نشان می‌دهد که در مناطق روستایی متراژ منازل مسکونی متراژ وسیع‌تر بودند در حالی که بنابر اظهارات زنان مناطق شهری بیش از نیمی از آنان (۱۸۹) نفر معادل ۵۱/۱ درصد) در منازلی با مساحت ۱۵۰-۵۱ مترمربع زندگی می‌کردند.

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ویژگی‌های فردی پاسخگویان

محل سکونت				متغیر	مقولات
روستا		شهر			
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۵۷/۶	۱۹۰	۴۰/۳	۱۴۹	نوجوان	
۲۴/۸	۸۲	۳۶/۸	۱۳۶	جوان	سن
۱۷/۶	۵۸	۲۳	۸۵	میانسال	
۵۶/۷	۱۸۷	۷۰/۸	۲۶۲	متأهل	
۳۹/۴	۱۳۰	۲۴/۹	۹۲	مجرد	
۱/۵	۵	۱۱	۴	بی‌همسر بر اثر فوت	وضعیت تأهل
۲/۴	۸	۳/۲	۱۲	بی‌همسر بر اثر طلاق	
۳/۳	۱۰	۲/۸	۹	پایین‌تر ۵۰ متر مربع	
۵۴	۱۶۳	۵۹/۶	۱۸۹	۱۵۰-۵۱ مترمربع	
۱۶/۹	۵۱	۳۱/۲	۹۹	۲۵۰-۱۵۱ مترمربع	
۷	۲۱	۶/۳	۲۰	۳۵۰-۲۵۱ مترمربع	
۱۰/۶	۳۲	۰	۰	۴۵۰-۳۵۱ مترمربع	مساحت منزل
۶	۱۸	۰	۰	۵۵۰-۴۵۱ مترمربع	مسکونی
۱	۳	۰	۰	۶۵۰-۵۵۱ مترمربع	
۱/۳	۴	۰	۰	۷۵۰-۶۵۱ مترمربع	
۳/۳	۱۰	۰	۰	بالاتر از ۷۵۱ مترمربع	

توصیف یافته‌ها

پایگاه اجتماعی اقتصادی زنان از مجموع متغیرهای تحصیلات (تحصیلات فرد، پدر یا همسر، مادر)، درآمد (درآمد زنان، پدر یا همسر) و شغل آنان تشکیل یافته است. با استناد به پاسخ‌های اخذ شده اکثریت زنان مناطق شهری (۳۹/۲٪) در

پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط قرار داشتند، زیرا درآمد زنان و پدر یا همسرانشان متوسط، تحصیلات پدر یا همسر و مادر دیپلم بوده است و با وجود بافت سنتی دلچنان اشتغال در مشاغل با منزلت بالا در بین آنها وجود نداشت (اکثریت آنها در کارخانه‌ها و فعالیتهای صنعتی و خدماتی اشتغال

پاسخگویی به هر یک از ابعاد نشاط اجتماعی نمایش داده شده است.

داشته‌اند) در حالی که اکثریت زنان مناطق روستایی (۹۰ نفر معادل ۲۷/۳٪) پایگاه اجتماعی اقتصادی خود را پایین قلمداد نموده‌اند. در جدول زیر توزیع پاسخگویان برحسب

جدول ۵- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ابعاد سه‌گانه نشاط اجتماعی

محل سکونت				مقولات	مقیاس ترکیبی نشاط اجتماعی
روستا		شهر			
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۵/۷	۱۴	۸/۱	۲۶	شادکامی درجه یک	
۳۹/۸	۹۷	۳۰/۲	۹۷	شادکامی درجه دو	
۴۴/۳	۱۰۸	۴۷	۱۵۱	شادکامی درجه سه	
۱۰/۲	۲۵	۱۴/۶	۴۷	شادکامی درجه چهار	
۱۵/۵	۳۹	۱۵/۵	۴۳	وجود نژندگرایی	
۵۷/۸	۱۴۵	۶۰/۳	۱۶۷	بین این دو	
۲۶/۷	۶۷	۲۴/۲	۵۷	عدم وجود نژندگرایی	
۶۱/۵	۱۷۹	۶۴/۹	۲۲۰	زیاد	
۳۱/۶	۹۲	۲۷/۷	۹۴	بینابین	
۶/۹	۲۰	۷/۴	۲۵	کم	

اکثریت زنان اظهار داشته‌اند نشاط اجتماعی متوسطی را در زندگی خود تجربه می‌نمایند.

در نتیجه ترکیب این سه بعد میزان نشاط اجتماعی زنان مورد سنجش قرار گرفت. به طوری که ملاحظه می‌شود

جدول ۶- توزیع پاسخگویان برحسب نشاط اجتماعی

روستا		شهر		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۵/۵	۵۱	۱۷/۰	۶۳	نشاط اجتماعی بالا
۶۷/۵	۲۲۳	۶۸/۱	۲۵۲	نشاط اجتماعی متوسط
۷/۳	۲۴	۸/۶	۳۲	نشاط اجتماعی پایین
۹۰/۴	۲۹۸	۹۳/۸	۳۴۷	مجموع
۹/۶	۳۲	۶/۲	۲۳	پاسخ‌نداده‌ها
۱۰۰/۰	۳۳۰	۱۰۰/۰	۳۷۰	مجموع کل

بالایی گزارش شده (۳۴/۵٪) در حالی که در دلجان، (۳۳/۵٪) زنان به میزان متوسطی از زندگی خود رضایت داشتند. مقبولیت یا پذیرش اجتماعی زنان در اجتماع و خانواده شهری و روستایی متوسط ارزیابی شده است. به عقیده اکثریت زنان مناطق شهری (۵۵/۷٪) و روستایی

با استناد به شواهد حاصل شده در زمینه ابعاد مختلف دین، باور به اعتقادات دینی در بین ۲۴۶ زن در مناطق روستایی (۷۴/۵٪) و ۲۸۳ زن در مناطق شهری (۷۶/۵٪) به طور مستحکمی وجود داشته است. رضایت اکثریت زنان روستایی از زندگی خود در حد

امید به برآورده شدن نیازها و خواسته‌ها و زندگی بهتر در آینده در روستاهای مورد بررسی بیشتر از مناطق شهری گزارش شده است.

نتایج یافته‌ها

آزمون کای مربع تأثیر وضعیت تأهل زنان در میزان نشاط اجتماعی آنان را حکایت می‌کند؛ به طوری که زنان متأهل از نشاط اجتماعی بالا و متوسطی نسبت به زنان مطلقه یا بی‌همسر بر اثر فوت برخوردار بودند.

(۴۳/۹٪) اجرای عدالت رویه‌ای و توزیعی متوسط بوده است؛ در عین حال که عدم اجرای عدالت توزیعی نیز در باور زنان دلجان به طور چشمگیری مشهود بوده است (۴۲/۷٪). اگرچه کیفیت آموزش از نظر زنان دهستان جوشق (۳۰/۶٪) نامطلوب عنوان شده است، دلجانی‌ها (۵۵/۷٪) امکانات آموزشی خود را مطلوب ارزیابی نموده‌اند که نشان‌دهنده کیفیت بالای آموزش در مناطق شهری است. همچنین، زنان مورد بررسی از کیفیت سلامت، کیفیت منزل مسکونی و کیفیت زیرساخت‌های متوسطی برخوردار بوده‌اند. در مجموع، می‌توان از مطلوب بودن کیفیت زندگی زنان در مناطق مورد نظر حکایت کرد.

جدول ۷- بررسی رابطه بین وضعیت تأهل و نشاط اجتماعی زنان

سطح معنی‌داری	کای اسکوئر (Chi-Square)	وضعیت تأهل				مقولات	متغیر	محل سکونت
		بی‌همسر بر اثر طلاق	بی‌همسر بر اثر فوت	مجرد	متأهل			
۰/۰۰۰	۲۵/۶۵۰	٪۱۲/۳	٪۱۷/۴	۰	۰	پایین	نشاط اجتماعی	شهر
		٪۶۴/۲	٪۶۰/۹	٪۱/۰۰	٪۱۶/۷	متوسط		
		٪۲۳/۵	٪۲۱/۷	۰	٪۸۳/۳	بالا		
۰/۰۰۳	۲۰/۰۵۴	٪۳۳/۳	۰	٪۶/۵	٪۱۴/۹	پایین	نشاط اجتماعی	روستا
		٪۳۳/۳	۰	٪۵۴/۵	٪۶۹/۳	متوسط		
		٪۳۳/۳	٪۱/۰۰	٪۳۹	٪۱۵/۸	بالا		

نشاط اجتماعی بالاتری نسبت به زنان میانسال را تجربه می‌نمودند.

از سوی دیگر، سن در میزان نشاط اجتماعی زنان مناطق روستایی مؤثر بوده است؛ به طوری که زنان نوجوان و جوان

جدول ۸- بررسی رابطه بین سن و نشاط اجتماعی زنان

سطح معنی‌داری	کای اسکوئر (Chi-Square)	سن			مقولات	متغیر	محل سکونت
		میانسالان	جوانان	نوجوانان			
۰/۵۳	۱۷/۱۹۰	٪۱۳/۵	٪۱۸/۷	٪۷/۷	پایین	نشاط اجتماعی	شهر
		٪۷۱/۲	٪۵۷/۱	٪۶۰/۶	متوسط		
		٪۱۵/۴	٪۲۴/۲	٪۳۰/۷	بالا		
۰/۰۰۲	۹/۳۵۱	٪۹/۷	٪۶/۱	٪۱۵/۳	پایین	نشاط اجتماعی	روستا
		٪۹۰/۳	٪۶۳/۳	٪۵۴/۲	متوسط		
		٪۰	٪۳۰/۶	٪۳۰/۵	بالا		

آزمون‌های آماری شواهدی مبنی بر تأثیر مساحت منزل مسکونی و نشاط اجتماعی یافت نشد. ارتقای پایگاه اجتماعی اقتصادی نمونه‌های پژوهش در دلجان بر میزان نشاط اجتماعی آنان افزوده است.

همچنین، محل سکونت (به تفکیک مناطق شهری و روستایی) و (تفکیک روستاهای دهستان جوشق) در نشاط اجتماعی زنان تأثیری نداشته است. اگرچه زنان در روستاها در منازل با مساحت مسکونی وسیع‌تر زندگی می‌کردند، ولی در

جدول ۹- بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و نشاط اجتماعی زنان

کای اسکوتر	کای اسکوتر (Chi- Square)	پایگاه اجتماعی اقتصادی			مقولات	متغیر	محل سکونت
		بالا	متوسط	پایین			
۰/۰۰۲	۱۶/۷۵۵	٪۲۷/۵	٪۶/۵	٪۶/۲	پایین	نشاط اجتماعی	شهر
		٪۴۵	٪۶۵/۶	٪۶۲/۵	متوسط		
		٪۲۷/۵	٪۲۸	٪۳۱/۲	بالا		
۰/۰۵۶	۹/۲۰۲	۰	٪۲۰	٪۱۵	پایین	نشاط اجتماعی	روستا
		٪۹۰	٪۴۴/۴	٪۶۵	متوسط		
		٪۱۰	٪۳۵/۶	٪۲۰	بالا		

از سوی دیگر، افزایش رضایت از زندگی به ارتقای نشاط اجتماعی آنها منجر شده است.

جدول ۱۰- بررسی رابطه بین رضایت از زندگی و نشاط اجتماعی زنان

کای اسکوتر	کای اسکوتر (Chi- Square)	رضایت از زندگی				مقولات	متغیر	محل سکونت
		خیلی کم	کم	بینابین	زیاد			
۰/۰۰۰	۳۸/۴۹۱	٪۱۰۰	٪۴۰	٪۳۴/۷	٪۱۲/۵	٪۱۰/۷	پایین	شهر
		۰	٪۵۰	٪۵۸/۹	٪۷۹/۷	٪۵۵/۴	متوسط	
		۰	٪۱۰	٪۶/۳	٪۷/۸	٪۳۳/۹	بالا	
۰/۰۰۰	۶۴/۳۸۰	٪۱۰۰	٪۳۷/۵	٪۲۲/۴	٪۲۹/۹	٪۷/۷	پایین	روستا
		۰	٪۶۲/۵	٪۷۵/۹	٪۵۸/۲	٪۶۵/۴	متوسط	
		۰	۰	٪۱/۷	٪۱۱/۹	٪۲۶/۹	بالا	

مراسم شادی دینی، عامل اصلی نشاط و شادکامی آنها در زندگی گزارش شده است.

با توجه به مشابهت‌های فرهنگی و اعتقادی زنان مورد بررسی، اعتقادات قوی دینی آنان، به خصوص حضور در

جدول ۱۱- بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و مذهبی و نشاط اجتماعی زنان

سطح معنی داری	کای اسکوئر (Chi- Square)	اعتقادات دینی و مذهبی			مقولات	متغیر	محل سکونت
		ضعیف	متوسط	قوی			
۰/۰۳۴	۱۶/۸۴۲	٪۲۳/۱	٪۲۸/۶	٪۲۶/۷	پایین	نشاط اجتماعی	شهر
		٪۵۳/۸	٪۷۱/۴	٪۵۸/۵	متوسط		
		٪۲۳/۱	۰	٪۱۴/۹	بالا		
۰/۰۱۴	۱۹/۵۱۷	۰	٪۵۰	٪۲۴/۴	پایین	نشاط اجتماعی	روستا
		٪۱۰۰	٪۵۰	٪۶۱/۲	متوسط		
		۰	۰	٪۱۴/۴	بالا		

اگرچه کیفیت زندگی در جامعه مورد نظر در حد مطلوب بوده است، ولی مطلوبیت کیفیت زندگی تنها در دلجان به ارتقای نشاط اجتماعی زنان منجر شده که علت این امر پایین بودن کیفیت آموزش در مناطق روستایی بوده است.

جدول ۱۲- بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و نشاط اجتماعی زنان

سطح معنی داری	کای اسکوئر (Chi- Square)	کیفیت زندگی			مقولات	متغیر	محل سکونت
		نامطلوب	متوسط	مطلوب			
۰/۰۰۰	۲۲/۴۰۴	۰	٪۴۹/۱	٪۲۰/۴	پایین	نشاط اجتماعی	شهر
		۰	٪۵۰/۹	٪۶۳/۵	متوسط		
		۰	۰	٪۱۶/۲	بالا		
۰/۱۵۳	۶/۶۹۱	٪۱۰۰	٪۳۲/۵	٪۲۰/۲	پایین	نشاط اجتماعی	روستا
		۰	٪۵۷/۱	٪۶۴/۴	متوسط		
		۰	٪۱۰/۴	٪۱۵/۴	بالا		

اگرچه مقبولیت و پذیرش اجتماعی تأثیر مثبتی بر دهستان جوشق در جامعه محل زندگی شان در افزایش نشاط شادکامی دارد، با این حال ارتقای پذیرش اجتماعی زنان آنان مؤثر بوده است.

جدول ۱۳- بررسی رابطه بین مقبولیت اجتماعی و نشاط اجتماعی زنان

سطح معنی داری	کای اسکوئر (Chi- Square)	مقبولیت اجتماعی			مقولات	متغیر	محل سکونت
		پایین	متوسط	بالا			
۰/۹۳۱	۰/۸۵۷	٪۲۷/۳	٪۲۵/۵	٪۳۰/۸	پایین	نشاط اجتماعی	شهر
		٪۶۰/۶	٪۶۱/۸	٪۵۳/۸	متوسط		
		٪۱۲/۱	٪۱۲/۷	٪۱۵/۴	بالا		
۰/۰۱۲	۱۲/۷۸۱	٪۶۰	٪۲۵/۵	٪۱۴/۳	پایین	نشاط اجتماعی	روستا
		٪۴۰	٪۶۱/۸	٪۷۱/۴	متوسط		
		۰	٪۱۲/۷	٪۱۴/۳	بالا		

همچنین، تقویت احساس عدالت اجتماعی سطح بالاتری از نشاط را برای آنها به ارمغان خواهد آورد.

جدول ۱۴- بررسی رابطه بین احساس عدالت اجتماعی و نشاط اجتماعی زنان

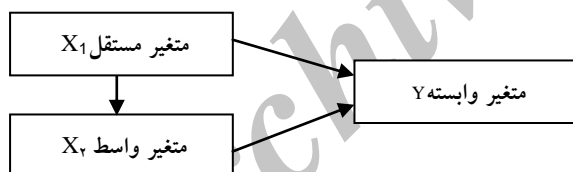
محل سکونت	متغیر	مقولات	احساس عدالت اجتماعی			کای اسکوائر (Chi-Square)	سطح معنی داری
			پایین	متوسط	بالا		
شهر	نشاط اجتماعی	پایین	٪۴۴/۴	٪۲۹	٪۸/۳	۱۴/۳۹۸	۰/۰۰۶
		متوسط	٪۵۵/۶	٪۵۶/۸	٪۷۹/۲		
		بالا	۰	٪۱۴/۲	٪۱۲/۵		
روستا	نشاط اجتماعی	پایین	۰	٪۳۵/۴	٪۱۷/۲	۱۹/۱۴۱	۰/۰۰۱
		متوسط	٪۱۰۰	٪۵۸/۶	٪۶۲/۱		
		بالا	۰	٪۶/۱	٪۲۰/۷		

متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (نشاط اجتماعی)، میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل از طریق متغیرهای واسط بر متغیر وابسته را نیز بسنجیم. با ترسیم معادله رگرسیونی نتایج زیر حاصل گردید:

در عین حال، امید به آینده تأثیری در میزان نشاط اجتماعی زنان نمونه نداشت.

در بررسی تأثیر متغیرهای واسط (احساس عدالت اجتماعی و امید به آینده) بر میزان نشاط اجتماعی از طریق معادله رگرسیون تلاش کردیم تا علاوه بر تأثیر مستقیم

مدل ۲- معادله رگرسیونی بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با حضور متغیرهای واسط



$$Y = bX_1 + bX_2$$

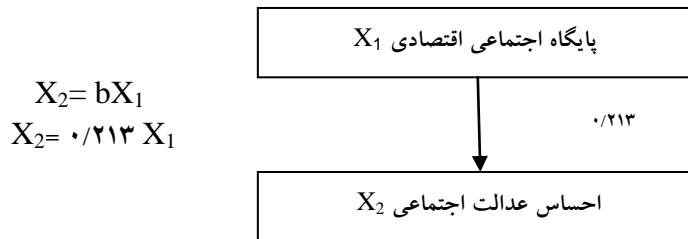
$$X_2 = bX_1$$

احساس عدالت اجتماعی در روستاها برابر ۰/۰۱۹ و شهر برابر ۰/۰۴۵ گزارش شده است. ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R Square) بین این دو متغیر در روستاها برابر با ۰/۰۱۳ و در شهر برابر با ۰/۰۴۱ است که میزان آن تغییرات متغیر وابسته را توسط متغیر مستقل بیان می‌نماید.

در روستاها (F=3/038, Sig= 0/083) و نیز در شهر دلپجان (F=11/237, Sig= 0/001) که نشان دهنده وجود رابطه بین دو متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی و احساس عدالت اجتماعی در سطح اطمینان ۰/۰۹۵ در دلپجان است که می‌توان معادله رگرسیونی این دو متغیر را در دلپجان به

فرضیه اول: در بررسی این فرضیه که ارتقای پایگاه اجتماعی اقتصادی زنان در جامعه با تقویت احساس عدالت اجتماعی بر نشاط زنان مؤثر است، ابتدا به تأثیر پایگاه اجتماعی اقتصادی در میزان احساس عدالت اجتماعی در مناطق شهری و روستایی دلپجان پرداخته‌ایم: میزان همبستگی (R) دو متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی و احساس عدالت اجتماعی در روستا برابر با ۰/۱۳۸ و در شهر ۰/۲۱۳ است که این امر نشان‌دهنده همبستگی بالاتر این دو متغیر در دلپجان نسبت به روستاهاست. ضریب همبستگی چندگانه یا ضریب تعیین (R Square) بین دو متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی و

صورت زیر ترسیم نمود:



$$X_2 = bX_1$$

$$X_2 = 0.213 X_1$$

شده است: در روستاها (F=8/533, Sig=0/000) و همچنین در شهر دلیجان (F=2/306, Sig=0/103) که نشان دهنده وجود رابطه بین متغیرها در سطح معناداری ۰/۰۹۵ در روستاهاست. در جامعه روستایی میزان بتای عدالت اجتماعی معنادار است؛ بدین ترتیب که به ازای افزایش یک واحد عدالت اجتماعی به اندازه ۰/۳۷۷ بر نشاط اجتماعی زنان افزوده می شود.

$$Y = bX_1 + bX_2$$

$$Y = 0.377X_2$$

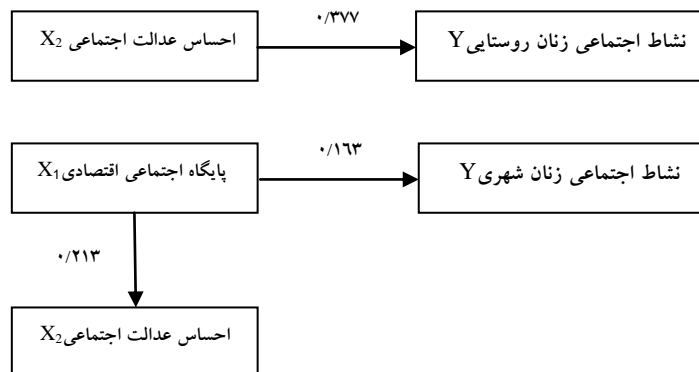
در جامعه شهری نیز میزان بتای پایگاه اجتماعی اقتصادی معنادار است؛ بدین ترتیب که به ازای افزایش پایگاه اجتماعی اقتصادی به اندازه ۰/۱۶۳ بر نشاط اجتماعی زنان افزوده می شود.

$$Y = bX_1 + bX_2$$

$$Y = 0.163X_1$$

بدین معنا که در دلیجان به ازای ارتقای پایگاه اجتماعی اقتصادی به میزان ۰/۲۱۳ بر احساس عدالت اجتماعی افزوده می شود.

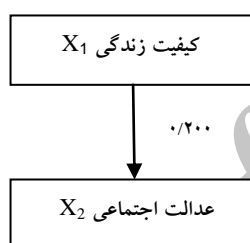
در قسمت دوم مدل، به بررسی تأثیر دو متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی و احساس عدالت اجتماعی بر میزان نشاط زنان شهری و روستایی پرداخته ایم: میزان همبستگی (R) سه متغیر مذکور در روستا برابر با ۰/۳۶۹ و در شهر ۰/۱۶۳ است که این امر نشان دهنده همبستگی بالاتر این سه متغیر در روستاها نسبت به شهر است. ضریب همبستگی چندگانه یا ضریب تعیین (R Square) در روستاها برابر ۰/۱۳۵ و در شهر برابر ۰/۰۲۷ گزارش شده است. ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R Square) بین این متغیرها در روستاها برابر با ۰/۱۲۰ و در شهر برابر با ۰/۰۱۵ است. مقدار F چنین گزارش



تعدیل‌شده (Adjusted R Square) بین این دو متغیر در روستاها برابر با ۰/۰۳۶ و در شهر برابر با ۰/۰۳۲ است که میزان آن تغییرات متغیر وابسته را توسط متغیر مستقل بیان می‌نماید. در روستاها (F=10/164, Sig= 0/002) و نیز در شهر دلجان (F=9/885, Sig= 0/002) که نشان از وجود رابطه بین این دو متغیر در سطح اطمینان ۰/۰۹۵ در دلجان و روستاهای آن است. می‌توان معادله رگرسیونی این دو متغیر را در دلجان و روستاهای اطراف به صورت زیر ترسیم نمود:

$$X_2 = bX_1$$

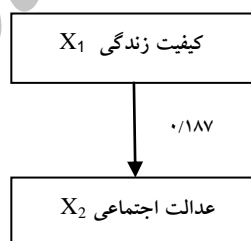
$$X_2 = 0/200 X_1$$



بدین معنا که در روستاها به ازای افزایش یک واحد کیفیت زندگی به میزان ۰/۲۰۰ بر احساس عدالت اجتماعی افزوده می‌شود. همچنین، در ازای افزایش یک واحد کیفیت زندگی به میزان ۰/۱۸۷ بر احساس عدالت اجتماعی زنان دلجانی افزوده خواهد شد.

$$X_2 = bX_1$$

$$X_2 = 0/187 X_1$$



گزارش شده است. همچنین، ضریب تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R Square) بین این متغیرها در روستاها برابر با ۰/۰۵۹ و در شهر برابر با ۰/۰۸۴ است. مقدار F چنین گزارش شده است: در روستاها (F=6/557, Sig=0/002) و همچنین، در شهر دلجان (F=10/378, Sig=0/000) که نشان‌دهنده وجود رابطه بین متغیرها در سطح معناداری ۰/۰۹۵ در روستاها و دلجان بوده است. در جامعه روستایی میزان بتای

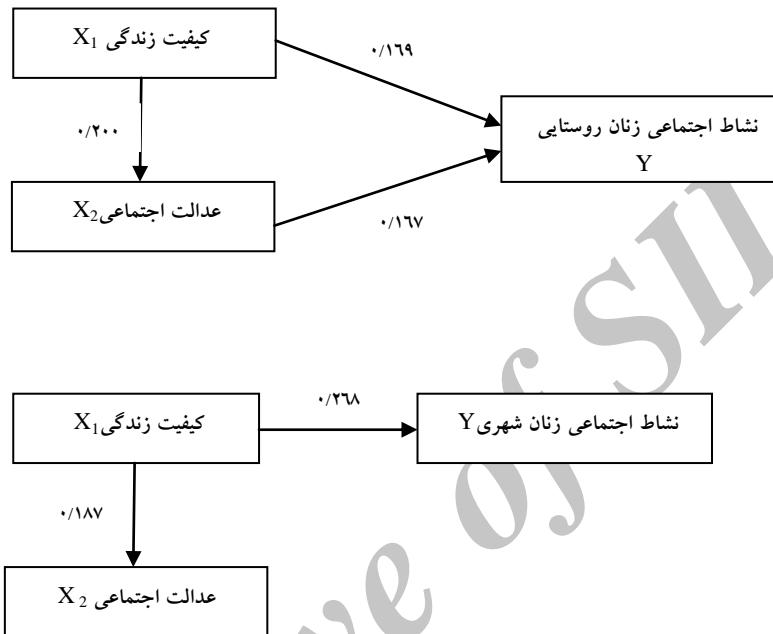
فرضیه دوم: در این فرضیه در پی آن بودیم که ارتقای کیفیت زندگی زنان از طریق احساس عدالت اجتماعی بر نشاط آنان تأثیرگذار است. ابتدا به تأثیر کیفیت زندگی بر احساس عدالت اجتماعی در مناطق شهری و روستایی دلجان پرداختیم: میزان همبستگی (R) دو متغیر مزبور (کیفیت زندگی و احساس عدالت اجتماعی) در روستا برابر با ۰/۲۰۰ و در شهر ۰/۱۸۶ بود. ضریب همبستگی چندگانه یا ضریب تعیین (R Square) بین دو متغیر کیفیت زندگی و احساس عدالت اجتماعی در روستاها برابر ۰/۰۴۰ و شهر برابر ۰/۰۳۵ گزارش شده است. ضریب تعیین

در قسمت دوم مدل، به تأثیر دو متغیر کیفیت زندگی و احساس عدالت اجتماعی بر میزان نشاط زنان شهری و روستایی اشاره می‌شود: میزان همبستگی (R) سه متغیر مذکور در روستا برابر با ۰/۲۶۴ و در شهر ۰/۳۰۵ است که این امر نشان‌دهنده همبستگی بالاتر این سه متغیر در دلجان نسبت به روستاهاست. ضریب همبستگی چندگانه یا ضریب تعیین (R Square) در روستاها برابر ۰/۰۷۰ و در شهر برابر ۰/۰۹۳

کیفیت زندگی و احساس عدالت اجتماعی معنادار است. بدین ترتیب که به ازای افزایش یک واحد کیفیت زندگی به بنابراین، مدل را بدین ترتیب می‌توان بیان نمود: اندازه ۰/۲۶۸ بر نشاط اجتماعی زنان افزوده می‌شود. در جامعه شهری میزان بتای کیفیت زندگی معنادار است؛

$$Y = bX_1 + bX_2$$

$$Y = 0.268X_1$$

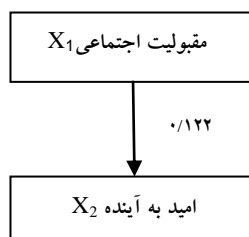


ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R Square) بین این دو متغیر در روستاها برابر با ۰/۰۰۳ و در شهر برابر با ۰/۰۱۲ است که میزان آن تغییرات متغیر وابسته را توسط متغیر مستقل بیان می‌نماید. در روستاها (F=0/135, Sig= 0/713) و نیز در شهر دلجان (F=4/722, Sig= 0/031) که نشان‌دهنده وجود رابطه بین دو متغیر مقبولیت اجتماعی و امید به آینده در سطح اطمینان ۰/۰۹۵ در دلجان است.

بین این دو متغیر رابطه وجود دارد که می‌توان معادله رگرسیونی این دو متغیر را در دلجان به صورت زیر ترسیم نمود:

$$X_2 = bX_1$$

$$X_2 = 0.122 X_1$$



فرضیه سوم: مقبولیت اجتماعی زنان در خانواده و جامعه از طریق افزایش امید به آینده در افزایش میزان نشاط آنان مؤثر است. ابتدا به تأثیر مقبولیت اجتماعی در میزان امید به آینده در مناطق شهری و روستایی دلجان پرداخته‌ایم:

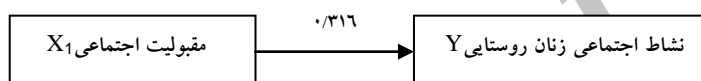
میزان همبستگی (R) دو متغیر مزبور در روستا برابر با ۰/۰۲۳ و در شهر ۰/۱۲۲ است که این امر نشان‌دهنده همبستگی بالاتر این دو متغیر در دلجان نسبت به روستاهاست. ضریب همبستگی چندگانه یا ضریب تعیین (R Square) بین دو متغیر مقبولیت اجتماعی و امید به آینده در روستاها برابر ۰/۰۰۱ و شهر برابر ۰/۰۱۵ گزارش شده است.

تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R Square) بین این متغیرها در روستاها برابر با ۰/۱۰۷ و در شهر برابر با ۰/۰۱۴ است. مقدار $F=10/934$ ، در روستاها () و همچنین در شهر دلجان ($F=2/700$, Sig=0/000) که نشان از وجود رابطه بین متغیرها در سطح معناداری ۰/۰۹۵ در روستاها داشت.

در جامعه روستایی میزان بتای مقبولیت اجتماعی معنادار بوده است؛ بدین ترتیب که به ازای افزایش یک واحد مقبولیت اجتماعی به اندازه ۰/۳۱۶ بر نشاط اجتماعی زنان افزوده خواهد شد.

$$Y = bX_1 + bX_2$$

$$Y = 0.316X_1$$



می‌پردازیم. میزان همبستگی (R) سه متغیر مذکور در روستا برابر با ۰/۴۲۰ و در شهر ۰/۵۳۴ است که این امر نشان‌دهنده همبستگی بالاتر این سه متغیر در دلجان نسبت به روستاها بوده است.

ضریب همبستگی چندگانه یا ضریب تعیین (R Square) در روستاها برابر ۰/۱۷۶ و در شهر برابر ۰/۲۸۵ گزارش شده است. همچنین، ضریب تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R Square) بین این متغیرها در روستاها برابر با ۰/۱۶۷ و در شهر برابر با ۰/۲۷۹ بوده است. مقدار $F=19/060$, Sig=0/000 و همچنین، در شهر دلجان ($F=49/400$, Sig=0/000) که نشان‌دهنده وجود رابطه بین متغیرها در سطح معناداری ۰/۰۹۵ در روستاها و دلجان بوده است.

در جامعه روستایی و شهری میزان بتای مقبولیت اجتماعی و رضایت از زندگی معنادار بوده است. بنابراین، مدل‌ها را بدین ترتیب می‌توان ترسیم نمود:

بدین معنا که در دلجان به ازای افزایش یک واحد مقبولیت اجتماعی به میزان ۰/۱۲۲ بر امید به آینده افزوده می‌شود.

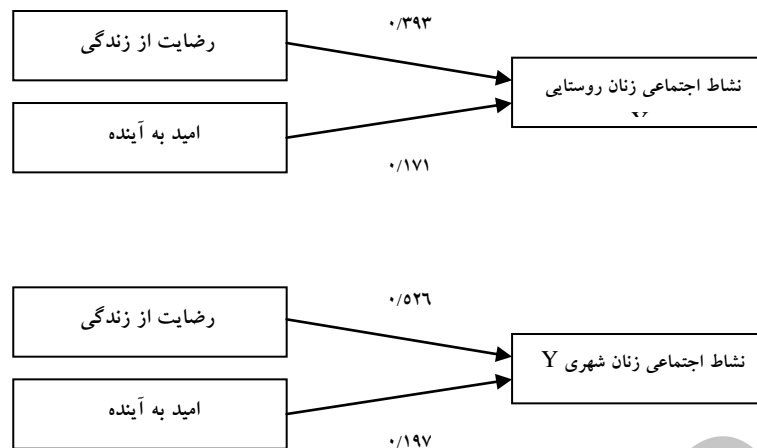
در بخش دوم، به تأثیر دو متغیر مقبولیت اجتماعی و امید به آینده بر میزان نشاط اجتماعی زنان اشاره شده است: میزان همبستگی (R) سه متغیر مذکور در روستا برابر با ۰/۳۴۳ و در شهر ۰/۱۵۰ است که این امر نشان‌دهنده همبستگی بالاتر این سه متغیر در روستاها نسبت به شهر است. ضریب همبستگی چندگانه یا ضریب تعیین (R Square) در روستاها برابر ۰/۱۱۸ و در شهر برابر ۰/۰۲۳ گزارش شده است. ضریب

فرضیه چهارم: رضایت زنان از زندگی با تقویت امید به آینده بر نشاط آنان تأثیر می‌گذارد.

ابتدا به تأثیر رضایت از زندگی در میزان امید به آینده خواهیم پرداخت: میزان همبستگی (R) این دو متغیر در روستا برابر با ۰/۰۴۸ و در شهر ۰/۰۱۰ است. ضریب همبستگی چندگانه یا ضریب تعیین (R Square) بین دو متغیر رضایت از زندگی و امید به آینده در روستاها برابر ۰/۰۰۲ و شهر برابر ۰/۰۰۰ گزارش شده است.

ضریب تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R Square) بین این دو متغیر در روستاها برابر با ۰/۰۰۱ و در شهر برابر با ۰/۰۰۳ است که میزان آن تغییرات متغیر وابسته را توسط متغیر مستقل بیان می‌نماید. در روستاها ($F=0/661$, Sig= 0/417) و نیز در شهر دلجان ($F=0/034$, Sig= 0/853) که نشان‌دهنده عدم رابطه بین این دو متغیر است.

در قسمت دوم مدل، به تأثیر دو متغیر رضایت از زندگی و امید به آینده بر میزان نشاط زنان شهری و روستایی

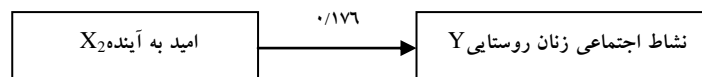


در بخش دوم مدل، به تأثیر دو متغیر اعتقادات دینی و امید به آینده بر میزان نشاط اجتماعی زنان اشاره می‌کنیم: همبستگی (R) سه متغیر مذکور در روستا برابر با ۰/۲۲۲ و در شهر ۰/۰۹۶ است که این امر نشان‌دهنده همبستگی بالاتر این سه متغیر در روستاها نسبت به شهر بوده است. ضریب همبستگی چندگانه یا ضریب تعیین (R Square) در روستاها برابر ۰/۰۴۹ و در شهر برابر ۰/۰۰۹ گزارش شده است. همچنین، ضریب تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R Square) بین این متغیرها در روستاها برابر با ۰/۰۳۸ و در شهر برابر با ۰/۰۰۱ است. مقدار F چنین گزارش شده است: در روستاها (F=4/479, Sig=0/013) و همچنین در شهر دلجان (F=1/080, Sig=0/341) که نشان دهنده وجود رابطه بین متغیرها در سطح معناداری ۰/۰۹۵ در روستاهاست. در جامعه روستایی میزان بتای امید به آینده معنادار است؛ بدین ترتیب که به ازای افزایش یک واحد امید به آینده به اندازه ۰/۱۷۶ بر نشاط اجتماعی زنان افزوده می‌شود.

فرضیه پنجم: اعتقادات دینی اگرچه با تقویت امید به آینده بر نشاط آنان مؤثر است. میزان همبستگی (R) دو متغیر اعتقادات دینی و امید به آینده در روستا برابر با ۰/۰۱۸ و در شهر ۰/۰۸۸ بوده است که این امر حاکی از همبستگی بالاتر این دو متغیر در دلجان نسبت به روستاها بود. ضریب همبستگی چندگانه یا ضریب تعیین (R Square) بین دو متغیر اعتقادات دینی و امید به آینده در روستاها برابر ۰/۰۰۰ و شهر برابر ۰/۰۰۸ گزارش شده است. ضریب تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R Square) بین این دو متغیر در روستاها برابر با -۰/۰۰۳ و در شهر برابر با ۰/۰۰۵ بوده است که میزان آن تغییرات متغیر وابسته را توسط متغیر مستقل بیان می‌نماید. در روستاها (F=0/082, Sig=0/775) و نیز در شهر دلجان (F=2/618, Sig=0/107) که نشان دهنده عدم رابطه بین دو متغیر اعتقادات دینی و امید به آینده در سطح اطمینان ۰/۰۹۵ در دلجان و روستاهای آن است.

$$Y = bX_1 + bX_2$$

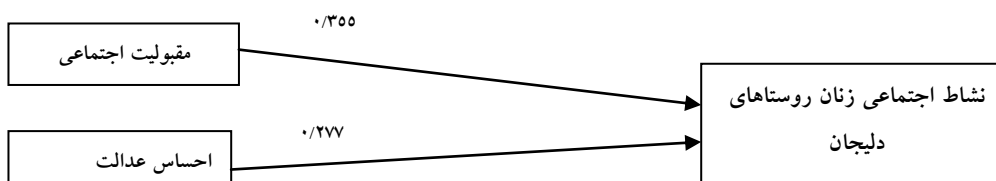
$$Y = 0.176X_2$$



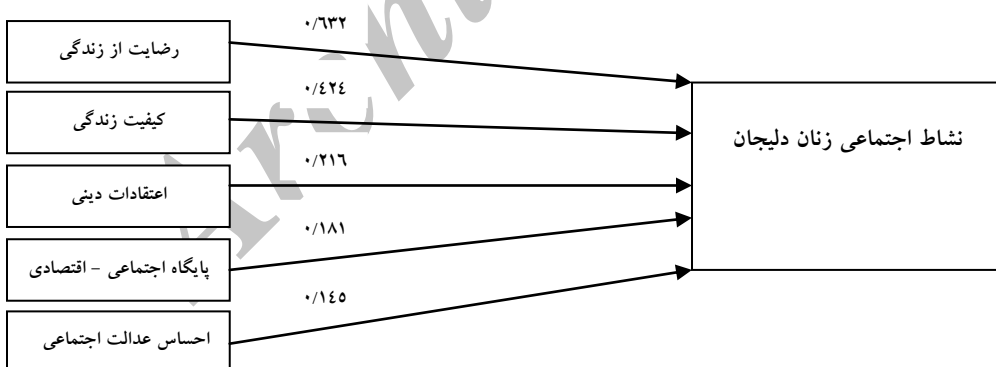
روستایی اشاره می‌شود. با توجه به نتایج کسب شده در مناطق روستایی متغیر «مقبولیت اجتماعی» با ضریب بتا (۰/۳۵۵ =

در نهایت، با استفاده از ضرایب رگرسیونی به بیان تأثیر مهمترین عوامل مؤثر در میزان نشاط اجتماعی زنان شهری و

هر چه میزان احساس عدالت اجتماعی بیشتر باشد، احتمال زیادی برای تجربه احساس نشاط در افراد پدیدار می‌شود. بنابراین، این دو متغیر مهمترین عوامل مؤثر در ارتقای نشاط اجتماعی زنان روستایی بوده‌اند.



است. متغیر چهارم متغیر «پایگاه اجتماعی اقتصادی» با ضریب بتای (Beta = ۰/۱۸۱) و در نهایت، آخرین عامل مؤثر در میزان نشاط زنان «احساس عدالت اجتماعی» با ضریب بتا (Beta = ۰/۱۴۵) گزارش شده؛ بدین معنا که هر چه میزان احساس عدالت اجتماعی ارتقا یابد، بر احساس نشاط زنان افزوده می‌شود. بنابراین، این ۵ متغیر توانسته‌اند ۶۳٪ تغییرات نشاط اجتماعی زنان شهر دلیجان را تبیین نمایند.



یادگیری و متغیرهای محیطی و فرهنگی بستگی دارد. بنابراین، می‌توان بین شادی و نشاط تفاوتی قائل شد. شادی یک هیجان انبساط با تظاهرات بیرونی و زودگذر است، اما نشاط یک احساس انبساط و شادمانی درونی است که پایدار و بادوام است. ماهیت نشاط اصیل، مثبت و بادوام است.

(Beta) بالاترین همبستگی مستقیم را با نشاط اجتماعی داشته است. بنابراین، میزان نشاط اجتماعی در مرحله اول متأثر از میزان مقبولیت اجتماعی زنان در جامعه و خانواده بوده است. دومین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده «احساس عدالت اجتماعی» با ضریب بتا (Beta = ۰/۲۷۷) بوده؛ یعنی

در دلیجان متغیر «رضایت از زندگی» با ضریب بتا (Beta = ۰/۶۳۲) بالاترین همبستگی مستقیم را با نشاط اجتماعی داشته است. دومین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده «کیفیت زندگی» با ضریب بتا (Beta = ۰/۴۲۴) بوده؛ یعنی هر چه کیفیت زندگی مطلوبتر باشد، احتمال زیادی برای احساس نشاط در افراد دیده خواهد شد. سومین متغیر «اعتقادات دینی و مذهبی» با ضریب بتا (Beta = ۰/۲۱۶) بوده

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد، شادی در علوم کلاسیک عبارت از هیجانی است که بر اثر محرک‌های درونی و بیرونی ارگانسیم را در جهت انبساط عضلانی و روانی سوق می‌دهد. ماهیت شادی در انسان غریزی است، اما نوع و چگونگی آن به

در حالی که مطابق با شواهد حاصله محل سکونت در افزایش یا کاهش نشاط اجتماعی تأثیری نداشت، مگر آنکه سایر متغیرها مثل پایگاه اجتماعی را لحاظ نماییم. مطابق با نظریه برابری، رضایت از زندگی و رضایت از شرایط موجود جامعه در ارتقای میزان نشاط اجتماعی تأثیر مثبت دارد. تجربه کنش و رفتار شادمانه و بعد اجتماعی فعالیت‌ها و حضور در جمع چه فعالیت‌های اجتماعی و چه فعالیت‌های مذهبی در ارتقای نشاط و شادکامی زنان نقش مهمی را ایفا نموده است. رضایت از شرایط به لحاظ ذهنی و عینی و همچنین بهبود کیفیت زندگی در هر دو بعد در افزایش نشاط اجتماعی زنان دارای نقش برجسته‌ای بوده است. برمبنای دیدگاه چلبی هرچه نژندگرای در شخصیت ایرانی تقویت شود، اضطراب و یأس و بی‌اعتمادی در وی تقویت می‌شود که عامل مهمی در کاهش میزان نشاط و شادکامی تلقی می‌شود.

در نهایت، می‌توان یافته‌های پژوهش حاضر را با نتایج تحقیقات انجام شده در این حیطه به بحث و چالش کشید: همسو با نتایج پژوهش‌های محققان در دانشگاه میشیگان، تفاوت معناداری بین سطح نشاط زنان مناطق شهری و روستایی یافت نشد. آرگایل (۱۳۸۲) و اینگلهارت (۱۹۹۰) دریافته‌اند که افراد متأهل و ازدواج کرده از سطح بالاتری از نشاط و شادکامی برخوردارند. زنان متأهل نیز سطح بالاتری از نشاط را نسبت به مجردها، مطلقه‌ها و بیوه‌ها تجربه نموده‌اند، در پژوهش حاضر نشاط اجتماعی جوانان و نوجوانان بالاتر از میانسالان بوده است، همان‌گونه که پژوهشگران دانشگاه وارویک انگلستان و آیزنک (۱۳۷۵) به تأثیر سن بر شادمانی دست یافتند، آرگایل نیز در نتایج خود دریافت که عاطفه مثبت و رضامندی با افزایش سن کمی افزایش می‌یابد و عاطفه منفی با افزایش سن کاهش می‌یابد، در حالی که در نتایج حاصل شده از تحقیقات دانشگاه میشیگان سن تأثیری در شادمانی نداشت.

همان‌گونه که آیزنک (۱۳۷۵) عقیده دارد افراد با درآمد بالا، بیش از افراد با درآمد پایین شاد هستند، در پژوهش

در طول تاریخ نقش اساسی در زندگی انسانی ایفا کرده است. انسان‌ها می‌کوشند که زندگی خویش را همراه با امیدواری و توأم با نشاط طی کرده، خود را در مسیری قرار دهند که نفع اساسی از زندگی خویش و بودن در این جهان ببرند. با این وصف، نشاط می‌تواند به عنوان یک متغیر مهم اجتماعی عامل توسعه و پیشرفت جوامع را تضمین کند. توسعه جوامع با بهره‌گیری از توان نیروهای مولد هر جامعه امکان‌پذیر است و زنان نیز به عنوان نیمی از جمعیت موجود در تمامی جوامع سهمی خاص در ارتقای توانایی‌های جامعه دارند. توجه به نشاط و شادکامی زنان چه از بعد روانی و چه بعد جسمانی (توجه به فراغت‌ها و رفتارهای شادمانه)، ارتقای میزان نشاط آنان و ارائه راهکارهایی برای افزایش آن، یکی از موضوع‌های نوین پژوهش‌های اجتماعی است که با توجه به ضرورت این متغیر مهم در پیشبرد اهداف اجتماعی روز به روز برجسته‌تر می‌شود. در پژوهش حاضر که در بین زنان ۴۹-۱۵ ساله دلجان انجام پذیرفته است، زنان مورد مطالعه نشاط اجتماعی خود را متوسط ارزیابی نموده‌اند؛ به این معنا که آنان به حالتی مابین نژندگرای و عدم آن در خود اعتراف کرده و از سوی دیگر نشاط حاصل از تجربه رفتارهای شادمانه را در خود زیاد عنوان نموده‌اند. احساس عدالت اجتماعی در حد متوسط بوده است. آنان کیفیت زندگی خود را مطلوب ارزیابی نموده‌اند. زنان مناطق روستایی امید بالایی به برآورده شدن نیازها و خواسته‌ها و زندگی بهتر در آینده را داشتند. همچنین، با استناد به شواهد حاصل شده اعتقادات دینی به طور مستحکمی در بین زنان مورد بررسی وجود داشته است. رضایت از زندگی در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری گزارش شده است. از سوی دیگر، زنان مورد بررسی از مقبولیت یا پذیرش اجتماعی متوسطی در محل زندگی خود برخوردار بوده‌اند.

در نهایت، می‌توان اشتراکات بین نظریاتی که فرضیه‌ها را از آنها اقتباس نمودیم و نتایج حاصله را چنین بیان نمود: براساس نظریه شکاف انتظار می‌رفت که نشاط اجتماعی زنان در مناطق شهری و روستایی و حتی روستاها متفاوت باشد،

نمود. ارتقای شاخص‌های رضایت از زندگی شامل افزایش رضایت شغلی (کاهش نرخ بیکاری، افزایش امکانات آموزشی و توجه به عوامل مؤثر بر رشد وضعیت فرهنگی و اجتماعی شهروندان)، توجه به عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی با هدف ارتقای سطح رضایت از زندگی افراد جامعه، توجه به فراغت و تفریح زنان جوان با اقداماتی، از قبیل: برگزاری کلاس‌های آموزشی، هنری، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و جشن‌های ملی و غنا بخشیدن به محتوای برنامه‌های رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی ... می‌تواند اقدامات سودمندی برای افزایش روحیه نشاط و شادکامی در افراد به ویژه زنان قلمداد شود.

منابع

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی شادی*، مترجمین: مسعود گوهری انارکی، حمیدطاهر نشاط‌دوست، حسن پالاهنگ و فاطمه بهرامی، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
- آذربایجانی، مسعود و علی محمدی، کاظم. (۱۳۸۹). «ساخت و اعتباریابی آزمون شادکامی با تکیه بر اسلام»، *دو فصلنامه علمی- پژوهشی تربیت اسلامی*، سال پنجم، ش ۱۰، ص ۱۲۱-۱۴۸.
- آیزنک، مایکل. (۱۳۷۵). *روان‌شناسی شادی*، ترجمه: محمد فیروزبخت و خلیل بیگی، تهران: انتشارات بدر.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، انتشارات کویر، چاپ اول.
- باقری خلیلی، علی اکبر. (۱۳۸۶). «شادی در فرهنگ و ادب ایرانی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ملی*، سال هشتم، ش ۲، ص ۵۳-۸۰.
- باقری خلیلی، علی اکبر و عامری، عصمت. (۱۳۸۹). «شادی در غزلیات شمس تبریزی با تکیه بر عوامل عرفانی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه*

حاضر نیز زنان ساکن در دلیجان با بهره‌مندی از پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر خود نسبت به ساکنان روستاها نشاط اجتماعی بالاتری را تجربه می‌نمایند. اگرچه پژوهش‌های متعددی مانند پژوهش آرگایل (۱۳۸۳)، شجاعیان و زمانی منفرد (۱۳۸۱)، الیسون (۱۹۹۱)، پناهی (۱۳۸۸)، صحرائیان و همکاران (۱۳۸۹)، قادری (۱۳۸۹)، حیدری رفعت و عنایتی نوین‌فر (۱۳۸۹)، قمری (۱۳۸۹) به رابطه معنادار مذهب با شادکامی دست یافتند، ولی در پژوهش حاضر شواهدی دال بر تأیید این مسأله وجود نداشت، زیرا با وجود اشتراکات فرهنگی، باورهای دینی و تشابه زندگی در مناطق شهری و روستایی، مذهب همواره عامل اصلی نشاط آنهاست و اعتقادات و باورهای دینی جزئی جدانشدنی از زندگی اهالی بوده است، بنابراین، دین به عنوان یک متغیر اجتماعی و یک واقعیت عینی و ملموس در زندگی آنها تلقی می‌شود و جدایی از دین و یا کمرنگ شدن آن در زندگی مصداق ندارد که ما بخواهیم با برجسته نمودن آن به میزان نشاط اجتماعی زنان پی ببریم.

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان در جمع‌بندی نهایی عنوان نمود که در مناطق مورد بررسی تقویت احساس عدالت اجتماعی، افزایش معیارهای رضایت از زندگی و کیفیت محیط زندگی، تقویت اعتقادات دینی و مقبولیت اجتماعی همچنین امیدواری زنان به آینده می‌تواند با ایجاد آرامش روحی و روانی نوعی پشتوانه اجتماعی مؤثری برای آنان ایجاد کند. در این صورت آنها قادر خواهند بود به نحو مؤثرتری در پیشبرد جامعه به سوی توسعه و پیشرفت گام بردارند. در این راستا، می‌توان با آگاه نمودن زنان از حقوق شهروندی و قانونی‌شان در قبال یکدیگر و در قبال جامعه و از سوی دیگر، آگاه‌سازی سازمان‌ها و نهادهای دولتی به منظور رعایت حقوق شهروندی افراد زمینه‌های کاهش احساس شکاف بین واقعیت‌ها و خواسته‌های زنان و جوانان با تسهیل شرایط رشد در جنبه‌های اقتصادی و علمی و تسهیل امکان رقابت و همچنین، ترویج روحیه تحمل و قناعت را فراهم

- الزهر/ (س)، سال اول، ش ۲، ص ۱-۲۲.
- بیانی، علی اصغر. (۱۳۸۵). «پایایی و روایی مقیاس افسردگی - شادکامی مک گریل و جوزف»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره بیست و نهم، ص ۳۱-۴۰.
- بنی‌فاطمه، حسین و رسولی، زهره. (۱۳۹۰). «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن»، جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، سال بیست و دوم، شماره اول، ص ۱-۲۶.
- پورطاهری، مهدی و همکاران. (۱۳۹۰). «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان)»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ش ۷۶، ص ۱۳-۳۳.
- پناهی، علی احمد. (۱۳۸۸). «عوامل نشاط و شادکامی در همسران از منظر دین و روان‌شناسی»، معرفت، سال هجدهم، ش ۱۴۷، ص ۱۵-۳۸.
- ثابت، مهرداد و لطفی کاشانی، فرح. (۱۳۸۹). «هنجاریابی آزمون شادکامی آکسفورد»، اندیشه و رفتار، دوره چهارم، ش ۱۵، ص ۷-۱۸.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چلبی، مسعود و موسوی، سید محسن. (۱۳۸۷). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲، ص ۳۴-۵۷.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: سروش.
- روحانی، عباس و معنوی‌پور، داود. (۱۳۸۷). «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره سی و پنجم و سی و ششم، ص ۱۸۹-۲۰۶.
- زمانی، مهدی. (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی جوانان ۲۹-۱۵ ساله شهر همدان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- زمانی منفرد، افشین و شجاعیان، رضا. (۱۳۸۱). «ارتباط دعا با سلامت روانی و عملکرد شغلی کارکنان فنی صنایع مهمات‌سازی»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، دوره ۸، ش ۲، ص ۳۳-۳۹.
- قادری، داود. (۱۳۸۹). «رابطه جهت‌گیری مذهبی و شادکامی سالمندان»، سالمند، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۶۴-۷۱.
- قمری، محمد. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه دینداری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل»، روان‌شناسی و دین، سال سوم، شماره سوم، ص ۷۵-۹۱.
- ساعتچی، محمود. (۱۳۸۵). روان‌شناسی کاربردی برای مدیران در خانه، مدرسه، جامعه و سازمان، نشر ویرایش.
- شیخی، منصوره و همکاران. (۱۳۸۹). «مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس رضایت از زندگی»، فصلنامه تازه‌های روان‌شناسی صنعتی سازمانی، سال اول، شماره چهارم، ص ۱۷-۲۹.
- صحرائیان، علی، غلامی، عبدالله و امیدوار، بنفشه. (۱۳۹۰). «رابطه نگرش مذهبی و شادکامی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز»، افق دانش، دوره ۱۷، ش ۱، ص ۶۹-۷۵.
- عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۳). شادی در خانواده، تهران: انتشارات مطالعات خانواده.
- علی‌پور، احمد و آگاه هریس، مزگان. (۱۳۸۶). «اعتبار و روایی فهرست شادکامی آکسفورد در ایرانی‌ها»، فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، سال سوم، ش ۱۲، ص ۲۸۷-۲۹۸.

- Diener, E. Suh, E.M. Lucas, R. E. & Smith, H. L. (1998) "Subjective Well-Being Three Decades of Well-being". *Psychological Bulletin*, 125 (2), 276-302.
- Diener, E. & Myers, D. G. (1997) "The New Scientific Pursuit of Happiness". *Harvard Mental Health Letter*, 4 (2), 4-7.
- Diener, E. & Myers, D. G. (1996) "The Science of Happiness". *The Futurist*, pp. 1-7 (insert). Reprinted in *Current*, November, 1997, pp. 3-7.
- Diener, E. & Pavot, W. (1993) "Review of the Satisfaction with Life Scale". *Psychological Assessment*, 5, 164-172.
- Eddington, N. & Shuman, R. (2004) *Subjective Well-Being*. Presented by continuity psychology education.
- Ellison, C.G. (1991) "Religious Involvement and Subjective Well-Being". *Journal of Health and Social Behavior*, 32, 80-99
- Furnham, A. & Cheng, H. (1999) "Personality as Predictor of Mental Health and Happiness in the East & West". *Personality and Individual Differences*, 27(3), 395-403.
- Fujita, F. Diener, E. & Sandvik, E. (1991) "Gender Differences in Negative Affect and Well-being: The Case for Emotional Intensity", *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 427-434.
- Hills, P. & Argyle, M. (2001) "Emotional Stability as a Major Dimension of Happiness". *Personality and Individual Differences*, 31(8), 1357-1364.
- Ingelhart, R. (1990) "*Culture Shift in Advanced Industrial Society*", Princeton, NJ: Princeton University Press.
- McCare, R. and Costa, P. (1999) *A five factor theory of personality*. In L. Pervin and O.
- Seligman and Danner, E. M. (2002) "Very Happy People". *Psychological Science* 13: 81- 4.
- Veenhoveen, R. (1998) "Two- State Trait Discussions on Happiness" Arepy to stones et al. *Social Indicator Reserch*, Vol 43, pp: 211-225.
- Veenhoveen, R. (1995) "The Utility of Happiness" . *Social Indicator Research* Vol. 20, pp: 333-354.
- Veenhoveen, R. (1988) "Is Happiness Relative? Recent Advance in Social Psychology an International Perspective", *Amsterdam*, pp: 235-247.
- Witter, R. A. Okun, M. A. Stock. W.A. & Haring, M.J. (1984) Education and subjective well-Being: A Meta- Analysis Education Evaluation and Policy Analysis 6. 165-173.
- علی‌پور، احمد و نوری، ناهید. (۱۳۸۵). «بررسی پایایی و روایی مقیاس افسردگی - شادکامی در کارکنان دادگستری شهر اصفهان»، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال هشتم، شماره سی و یک و سی و دوم، ص ۸۷-۹۶.
- علی‌پور، احمد و نوربالا، احمدعلی. (۱۳۷۸). «بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران» اندیشه و رفتار، سال پنجم، ش ۱ و ۲، ص ۵۵-۶۵.
- عنبری، موسی. (۱۳۹۱). «بررسی زمینه‌ها و راهکارهای نشاط اجتماعی در ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی».
- غلامزاده، سمیه. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین عوامل مؤثر بر شادکامی و اثر آن بر عملکرد سازمانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- مغانلو، مهناز و آگیلار- وفایی، مریم. (۱۳۸۸). «رابطه عوامل و وجوه الگوی پنج عاملی شخصیت با شادکامی و سلامت روانی و جسمانی»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال پانزدهم، ش ۳، ص ۲۹۰-۲۹۹.
- نایی، هوشنگ. (۱۳۷۴). «پژوهشی در روان‌شناسی اجتماعی: سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.
- هزار جریبی، جعفر. (۱۳۹۰). «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۳)، شماره سوم، پاییز ۹۰، ص ۴۱-۶۲.
- Argyle, M. (2001) *The psychological of happiness*. London: Rutledge.
- Biddle, S. & Mutri e, N. (1991) *Psychology of Physical Activity and Exercise*. London: Springer/Tavistock/Routledge.